



طبل توخالی

بررسی نقش تدروها در کشور



جنگ تجاری

افزایش تقابل آمریکا با چین



حسابرسی از تصمیم گیران

درباره زبان های سیاستمداران به اقتصاد



تلاش دخترانه برای زندگی

به بهانه روز دختر



انتقال به بیمارستان

کامران فانی برای اسکن مغزی بستری شد



باغ روشنفکران

درباره شب های گوته و نقش روشنفکران در جامعه

یادداشت روز

در ستایش سیاست

چرا ایران غیرهسته ای تحریم شد؟

روح الله اسلامی

دانشیار علوم سیاسی
دانشگاه فردوسی مشهد

سیاست عرصه امکان هاست، نه میدان آرزوها. هر کشوری که در جهان امروز می خواهد دوام آورد باید قواعد بازی قدرت را بشناسد و در همان چارچوب بیشترین منافع را برای خود به دست آورد. تجربه ایران در پرونده هسته ای نشان می دهد حتی زمانی که کشوری به سمت خلع سلاح و محدودیت های داوطلبانه می رود، اگر به آداب سیاست مسلط نباشد، باز هم هزینه های سنگینی خواهد پرداخت. پرسش اصلی این است: چرا ایران غیرهسته ای همچنان تحریم می شود؟

پاسخ را باید در نسبت قدرت و سیاست جست و جو کرد. در جهان امروز، داشتن یا نداشتن سلاح هسته ای تنها بخشی از معادله است. آنچه تعیین کننده است، توانایی یک کشور در ایجاد ابهام، انعطاف و پیچیدگی در کنش های سیاسی است. کشوری که همه برگ هایش را رومی کند و با زبان ساده و اخلاقی سخن می گوید، در چشم قدرت های بزرگ به بازیگری قابل پیش بینی تبدیل می شود؛ چنین بازیگری را می توان مهار کرد، محدود کرد و حتی بدون هزینه تحریم نمود. ایران در دوره هایی با جشن و هیاهوی هسته ای به میدان آمد و در دوره هایی دیگر با گزاره های شفاف انسانی و اخلاقی اعلام کرد که به دنبال سلاح نیست. این هر دو رویکرد، هرچند از منظر اخلاقی و شرعی و شرافت انسانی قابل احترام اما از نگاه سیاست بین الملل به یک اندازه برای منافع ملی، قابلیت ایجاد بحران دارد. نمایش قدرت هسته ای، ترس و اجماع جهانی علیه کشور را برمی انگیزد؛ اعلام صریح صلح طلبی نیز امکان فشار و تحریم را آسان می کند. سیاست ورزی موفق، نه در جشن گرفتن و نه در سوگند خوردن است بلکه در ایجاد ابهام و چندلایگی است.

قدرت های هسته ای جهان دقیقاً به همین دلیل هسته ای باقی مانده اند. آنان کمتر شعار می دهند، کمتر جشن می گیرند و بیشتر در سکوت، ظرفیت های پنهان خود را حفظ می کنند. سیاست حرفه ای اینگونه است که امنیت از «نمایش» نمی آید بلکه از توان واقعی و ابهام آفرینی برمی خیزد. وقتی طرف مقابل نداند که همه گزینه ها روی میز شما چیست، ناچار است با احتیاط رفتار کند. راه برون رفت ایران از دور باطل تحریم نیز نه بازگشت به شعارهای اخلاقی محض است و نه مسابقه پر سرو صدا در قدرت نمایی. ایران باید از سیاست به معنای دقیق کلمه بهره بگیرد:

- انگشت نما نباشیم؛ دستاوردهای راهبردی نیاز به جشن خیابانی ندارند.
- جنجال نکنیم؛ سکوت و کار پنهان گاه بیش از هزار سخن اثر دارد.
- بیش از نمایش، اقدام کنیم؛ عمل واقعی امنیت می آورد نه بیانیه های پرطمطراق.
- پیچیده و منعطف رفتار کنیم؛ در مذاکرات چندین سناریو داشته باشیم و هیچ گاه به یک راه وابسته نشویم.
- غیرقابل پیش بینی باشیم؛ این همان سلاح نامرئی است که حتی قدرت های بزرگ را محتاط می کند.

سیاست هنری است که اخلاق را کنار نمی زند اما آن را با آداب قدرت همراه می کند. راستی و سادگی اگر به جار و جنجال بدل شود، نتیجه ای جز شکست ندارد. تجربه کشورهای موفق در عرصه بین الملل نشان می دهد که بقا و پیشرفت محصول سیاست علمی، برنامه ریزی دقیق و مدیریت ابهام است.

ایران برای رهایی از تحریم و بازیابی جایگاه خود باید از این منطق بیاموزد. نه تنها در پرونده هسته ای بلکه در همه حوزه ها از اقتصاد تا دیپلماسی منطقه ای به سیاست به عنوان یک مهارت حرفه ای نگاه کند. آینده کشور نه در تکرار شعارهای اخلاقی که در تمرین آداب سیاست رقم خواهد خورد؛ آدابی که به ما می آموزد، چگونه در جهانی پر از مکر و رقابت، درون قدرتمند و برون ساده اما حسابگر و علمی داشته باشیم.

پیام مهم پوتین

رئیس جمهور روسیه خبر داد: مقامات اسرائیل به او گفته اند که دنبال درگیری مجدد با ایران نبوده

و در پی حل مسائل و پرهیز از هرگونه تقابل هستند

سازندگی در گفت و گو با کوروش احمدی، دیپلمات پیشین ایران در سازمان ملل

به بررسی سخنان پوتین و همچنین تشکر ترامپ از ایران برای حمایت از برقراری صلح در غزه پرداخته است



ابوالفضل خدایی

گروه بین الملل



«ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه در دومین اجلاس روسیه و آسیای مرکزی اعلام کرد که مساله هسته ای ایران فقط از طریق دیپلماتیک قابل حل و فصل است. پوتین تاکید داشت که ایران مایل به دنبال کردن مسیر دیپلماتیک برای حل و فصل برنامه مساله هسته ای خود است. او گفت: ما با شرکای ایرانی خود در تماس نزدیک هستیم و عزم آنها را برای یافتن راه حل های قابل قبول متقابل و از سرگیری همکاری سازنده با آژانس بین المللی انرژی اتمی احساس می کنیم.

رئیس جمهور روسیه با اشاره به اینکه اسرائیل از طریق تماس های محرمانه به روسیه اعلام کرده که به دنبال درگیری با ایران نیست، افزود: «رهبران اسرائیل از ما خواسته اند به دوستان ایرانی مان پیام دهیم که اسرائیل به دنبال حل مسائل و پرهیز از هرگونه تقابل است». کوروش احمدی، دیپلمات پیشین کشور در سازمان ملل در گفت و گو با سازندگی، دو پیام مهم صحبت های پوتین را مورد بررسی قرار داد. احمدی در گفت و گویی تحلیلی درباره اظهارات اخیر ولادیمیر پوتین پیرامون تحولات خاورمیانه و احتمال وقوع جنگ میان ایران و اسرائیل گفت: «طی دوره بعد از جنگ ۱۲ روزه، من همیشه اعتقاد داشته ام که احتمال از سرگیری جنگ گسترده دیگری چندان زیاد نیست. اسرائیل بدون اجازه و هماهنگی و حمایت ایالات متحده، قادر به اقدام نظامی علیه ایران نیست. ایران یکی از کشورهای کلیدی منطقه با موقعیتی ژئوپلیتیک بسیار حساس است؛ ایران کشوری است که با حوزه های ژئوپلیتیک متعددی مانند قفقاز و آسیای میانه، عراق، خلیج فارس و تنگه هرمز و آسیای جنوبی هم مرز است. هرگونه بی ثباتی در ایران، ازجمله جنگ یا تجزیه، می تواند به سرعت به این مناطق سرریز شود و دامنه ناامنی را تا کشورهای همسایه و حوزه خلیج فارس گسترش دهد».

ادامه در صفحه ۳

پارلمان

گامی بزرگ یا تغییر شکلی؟

حرکت تدریجی نظام انتخاباتی

به سمت مدل تناسبی و حزبی

گروه سیاسی: در حالی که مرحله کارشناسی و مصوبه مربوط به افزایش تعداد نمایندگان استان البرز همچنین اضافه شدن ۴۰ نفر به نمایندگان سایر حوزه‌های انتخابیه از سوی وزارت کشور نهایی شده و قرار است، لایحه آن به‌زودی به مجلس ارائه شود و رئیس مجلس شورای اسلامی نیز بر انتخابات تناسبی و حزبی تأکید کرده، منتقدان هشدار می‌دهند که اجرای مدل تناسبی در شرایط فعلی، بدون احزاب واقعی و مستقل، ممکن است فقط ظاهر انتخابات را عوض کند.

به گفته مسئولان، این اقدام بخشی از روند کلی اصلاح نظام انتخاباتی کشور است؛ روندی که قرار است، ترکیب و شیوه انتخاب نمایندگان را متناسب‌تر و کارآمدتر کند. در همین راستا محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی طی روزهای اخیر اعلام کرد که نظام انتخاباتی ایران باید به‌سمت «حزبی شدن» حرکت کند و از برنامه‌ای تازه برای اصلاح قانون انتخابات خبر داد که هدف آن حرکت تدریجی به‌سمت مدل «تناسبی و حزبی» در انتخابات مجلس و شوراهاست. قالیباف تأکید کرد این اصلاح نباید شتاب‌زده انجام شود و باید مرحله‌به‌مرحله و با دقت پیش برود. به گفته قالیباف، هدف اصلی از این تغییر، افزایش مشارکت مردم و تقویت نقش احزاب در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. تغییری که می‌تواند، نقشه سیاسی و انتخاباتی کشور را تا حدی دگرگون کند و ترکیب آینده مجلس را تحت‌تأثیر قرار دهد.

در نظام فعلی، رأی‌دهندگان به افراد رأی می‌دهند نه به احزاب. هر حوزه انتخابیه چند نامزد دارد و کسانی که بیشترین رأی را بیاورند به مجلس یا شورا راه می‌یابند. در نتیجه حتی اگر چند نفر از یک جریان سیاسی باشند، مردم آنها را به‌عنوان یک تیم واحد نمی‌بینند. اما در مدل تناسبی که قالیباف از آن سخن گفته، رأی‌دهندگان به فهرست‌های حزبی رأی می‌دهند. در این شیوه هر حزب بر اساس سهم آرای که می‌گیرد، صاحب تعدادی از کرسی‌ها می‌شود. کارشناسان معتقدند چنین مدلی می‌تواند، باعث حضور احزاب کوچک‌تر در نهادهای تصمیم‌گیر، افزایش تنوع در نمایندگی سیاسی و رشد احزاب واقعی شود. آنها تأکید می‌کنند که اگر این طرح درست اجرا شود، می‌تواند چهره سیاست ایران را تغییر دهد و رقابت‌ها از حالت فردمحور خارج و به سمت رقابت بر سر برنامه و دیدگاه‌های حزبی سوق داده می‌شود. تشکیل فراکسیون‌های شفاف در مجلس نیز می‌تواند، تصمیم‌گیری‌ها را منظم‌تر و پاسخ‌گوتر کند.

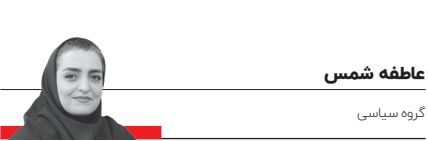
با این حال، منتقدان هشدار می‌دهند که اجرای مدل تناسبی در شرایط فعلی بدون احزاب واقعی و مستقل، ممکن است فقط ظاهر انتخابات را عوض کند. به گفته آنها، بسیاری از احزاب امروز در ایران پایگاه اجتماعی روشنی ندارند و محدودیت‌های سیاسی نیز مانع شکل‌گیری رقابت واقعی است. علاوه بر این تا زمانی که نهادهایی مانند شورای نگهبان، نقش اصلی را در تأیید صلاحیت‌ها دارند، مدل حزبی لزوماً به معنای رقابت آزاد نخواهد بود. برخی نیز هشدار می‌دهند که در مدل تناسبی، احزاب نزدیک به قدرت می‌توانند، عرصه را به‌طور کامل در اختیار بگیرند و رقابت واقعی میان جریان‌ها شکل نگیرد. همان‌گونه که در کشورهای اروپایی مانند آلمان، انتخابات تناسبی اما باعث حضور احزاب کوچک‌تر در پارلمان شده و معمولاً به دولت‌های ائتلافی انجامیده است اما در کشورهایی با نظام حزبی ضعیف یا نظارت سنگین این مدل نتوانسته مشارکت را بالا ببرد یا رقابت آزاد ایجاد کند.

طرح تازه قالیباف و هم‌زمان افزایش تعداد نمایندگان را می‌توان گامی در جهت نوسازی نظام انتخاباتی دانست اما کارشناسان تأکید دارند که موفقیت این طرح‌ها وابسته به اصلاحات عمیق‌تر است. یعنی تا زمانی که فعالیت آزاد احزاب، شفافیت مالی و نظارت بی‌طرفانه تضمین نشود، انتخابات تناسبی هم نمی‌تواند به معنای واقعی، مشارکت مردم و نمایندگی متنوع را در پی داشته باشد.

میهن

طبل توخالی

نقش تندروها در مشکلات و مصائبی که برای کشور ایجاد کرده‌اند



عاطفه شمس

گروه سیاسی

در هفته‌های اخیر، موج تازه‌ای از رادیکالیسم سیاسی به بهانه‌های مختلف در کشور خودنمایی کرده است؛ پدیده‌ای که نه تنها فضای سیاسی را متشنج می‌کند بلکه ریسک‌های جدی برای ثبات اجتماعی و مشروعیت نهادهای دولتی ایجاد می‌کند. در چنین فضایی، واکنش چهره‌هایی همچون عباس آخوندی، آذر منصوری و عبدالله رمضان‌زاده اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. این افراد با صراحت و شفافیت هشدار می‌دهند که اگر جامعه سیاسی نسبت به این جریان‌ها بی‌تفاوت بماند، پیامدهای آن فراتر از یک جناح یا حزب خواهد بود و کل کشور را درگیر بحران خواهد کرد.

هشدار علیه موج افراط

محمد عطریان‌فر، عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران تندروها را جرثومه‌هایی می‌داند که هیاهو دارند و صدایشان طبل توخالی

است. او با تأکید بر اینکه رفتار تندروها ساختارشکن و آسیب‌زننده است، می‌گوید: «آنها البته حق ندارند بنا به دریافت‌های شخصی خود به منافع ملی خدشه وارد کنند. منافع ملی و ابعاد آن در موقعیت‌های مهم و کلیدی کشور رقم می‌خورد و عناصری که در حد فهم اندک و بضاعت محدود خود موضع‌گیری می‌کنند، نقشی ندارند و نباید عامل بازدارنده باشند. نباید ترسید و نگران بود و البته نباید هم از کنارشان ساده گذشت. باید سعی کنیم، قانع‌شان کنیم ولو امیدی بدان نداشته باشیم. افراطیون بخش اندک و ناچیزی از جامعه را تشکیل می‌دهند. حداقل اگر همراه نمی‌شوند باید به آنها یادآوری کرد که در این کشور منافع ملی مهم‌تر از منافع گروهی و قبیله‌ای است».

عباس آخوندی، وزیر سابق راه و شهرسازی نیز در تازه‌ترین اظهارنظر خود در گفت‌وگو با «انتخاب» درباره جریان رادیکال و اقدامات آنها در صحنه سیاسی کشور گفته است: «این جریانات بیش از هر کسی واقفند که ریشه‌ای در افکار عمومی و آرای عمومی ندارند. وقتی رئیس‌جمهوری با ۳۲ درصد آرای عمومی یا نمایندگانی با ۵، ۶ درصد آرا سر کار می‌آیند، چاره‌ای ندارند جز اینکه اهداف کوتاه‌مدت برای خودشان تعریف کنند». او تأکید کرده است: «اینها اصلاً راجع به آینده ایران فکر نمی‌کنند، راجع به هویت ایران فکر نمی‌کنند، اصلاً درباره توسعه فکر نمی‌کنند، درباره انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، فرهنگ ایران، درباره هیچ‌یک از اینها فکر نمی‌کنند، تنها چیزی که به آن فکر می‌کنند این است که چگونه می‌توانند چند روز بیشتر در مسند قدرت باشند».

در همین چارچوب، آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات، نگاه ویژه‌ای به تعادل سیاسی و ضرورت پرهیز از افراط دارد. منصوری با بیان اینکه «این اقلیت پر‌سر‌وصدا سال‌هاست که به

دولت

بررسی رویدادهای سیاسی

علاوه بر این چهره‌ها، دیگر اصلاح‌طلبان نیز مواضع مشابه دارند. برخی از اعضای فعال این جریان با تأکید بر شفافیت و پاسخگویی، بارها هشدار داده‌اند که ادامه مسیر رادیکالیسم نه تنها به مشروعیت نهادهای رسمی آسیب می‌رساند بلکه مانع از اجرای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در راستای منافع عمومی خواهد شد. به باور این گروه، جریان افراطی با بهره‌گیری از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی قادر است، بخش قابل توجهی از جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و در صورت عدم مواجهه هوشمندانه، اصلاح‌طلبان و سایر نیروهای میانه‌رو به حاشیه رانده خواهند شد.

تبعات انفعال و ضرورت مقابله

واکنش اصلاح‌طلبان، اگرچه متنوع است اما یک نکته محوری در همه آنها مشترک است: هشدار نسبت به پیامدهای سکوت و انفعال در برابر رادیکالیسم. به نظر آنها، تجربه‌های گذشته نشان داده است که هرگونه مماشات با جریان‌های افراطی، نه تنها مشکلات سیاسی را حل نمی‌کند بلکه آنها را تشدید هم می‌کند. در این میان تأکید بر گفت‌وگو و تعامل، ضرورت تقویت نهادهای مدنی و پاسخگویی شفاف به مردم از دیگر محورهای برجسته در مواضع اصلاح‌طلبان است.

ایسن هشدارها در شرایطی بیان می‌شوند که فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به افکار عمومی ایفا می‌کند. اصلاح‌طلبان با توجه به این ظرفیت‌ها، بارها تأکید کرده‌اند که

باید پیامدهای بلندمدت اقدامات رادیکال و افراطی را برای جامعه توضیح دهند تا از تشدید تنش و بحران پیشگیری شود. همچنین آنها معتقدند که نهادهای رسمی و دولتی باید فعالانه با جریان‌های افراطی مقابله کنند و اصلاح‌طلبان نیز به عنوان نمایندگان جامعه مدنی، نقش هشداری و نظارتی خود را به خوبی ایفا کنند.

جمع‌بندی واکنش‌های اصلاح‌طلبان نشان می‌دهد که نگرانی اصلی آنها نه صرفاً از رقابت سیاسی با جناح‌های افراطی بلکه از آسیب‌های بلندمدت به جامعه و نهادهای سیاسی کشور است. آنها معتقدند که ادامه مسیر رادیکالیسم، اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد، انسجام اجتماعی را تهدید و روند تصمیم‌گیری در نهادهای حکومتی را مختل می‌کند. در واقع اصلاح‌طلبان با هشدارهای خود، درصدد هستند جامعه سیاسی و افکار عمومی را نسبت به تبعات خطرناک انفعال و مماشات آگاه کنند.

پیام روشن اصلاح‌طلبان به جامعه و سیاست‌گذاران این است که اگر قرار است، کشور از مسیر توسعه و ثبات عبور کند باید از افراط پرهیز شود، تعامل میان جناح‌ها تقویت شود و نقش فعال و نظارتی اصلاح‌طلبان در فرآیند تصمیم‌گیری حفظ شود. آنها هشدار می‌دهند که سکوت یا کم‌توجهی به جریان‌های افراطی، نه تنها منافع سیاسی جناح‌ها را به خطر می‌اندازد بلکه پیامدهای آن به کل کشور و نسل‌های آینده منتقل خواهد شد.

بدون تردید، پیامدهای رادیکالیسم محدود به یک جناح یا جریان سیاسی نیست؛ بلکه اعتماد عمومی، ثبات اجتماعی و کارآمدی نهادهای دولتی را در معرض تهدید قرار می‌دهد. اصلاح‌طلبان با صراحت تمام اعلام می‌کنند که مقابله با این روند نه یک انتخاب سیاسی بلکه یک ضرورت ملی است. اگر جامعه سیاسی و شهروندان این هشدارها را جدی نگیرند، آینده کشور با خطرانی جدی مواجه خواهد شد که بازگرداندن آن به مسیر عقلانیت و میانه‌روی بسیار دشوار خواهد بود.

مردم و حاکمیت نیست. این نگاه انحصاری که فقط یک صدا و یک تفکر را مشروع می‌داند، کشور را به سمت انسداد سیاسی و اجتماعی می‌برد و مانع گفت‌وگو و اصلاحات ضروری می‌شود. ادامه این مسیر، خطرناک و پرهزینه است».

عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی پیشین جبهه اصلاحات نیز در واکنش به احضار وزیر امور خارجه به کمیسیون اصل ۹۰ توسط تندروهای مجلس در شبکه اجتماعی ایکس نوشته: «آیا بعد از تجدید تحریم‌ها، وزارت خارجه تعطیل شده یا دیگر دیپلماسی بی‌فایده شده که وقت وزیر خارجه صرف توجیه نمایندگان استصوابی می‌شود؟ وقت هدر دادن با این افراد چه نتیجه‌ای دارد؟ آقای عراقچی! به کار خود برس؛ این مجلس جرات حتی فکر کردن به استیضاح شما را نخواهد داشت».

غلامعلی جعفرزاده‌ایم‌آبادی، نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی نیز در اظهاراتی از بزرگان کشور خواست که تندروها را سر جای خود بنشانند چراکه معتقد است: «هیچ منطقی بر نگاه عده‌ای حاکم نیست».

احمد زیدآبادی، تحلیل‌گر سیاسی اصلاح‌طلب در یادداشتی که در واکنش به حملات اخیر تندروها و نمایندگان رادیکال به اظهارات محمدرضا باهنر درباره حجاب نوشته، تأکید کرده که تندروها بعد از شکست مذاکرات، قدرتمندتر شده و جانی تازه گرفته‌اند. او معتقد است: «هر چهره‌ای که حتی خواهان کمی ملایمت در یکی از حوزه‌های زندگی شده باشد، رقیب آنان به حساب می‌آید، حال چه رئیس‌جمهور باشد، چه رئیس مجلس، چه رئیس قوه قضائیه و چه هر یک از فرماندهان نظامی. این روند با آقای باهنر شروع شده و به سرعت به دیگران هم می‌رسد. با این اوضاع، سران قوا تصور نکنند، جای محکمی نشسته‌اند! عاقبت کار پیشروی این جناح هم البته آشکار است. چیزی از مدنیت در ایران باقی نخواهد ماند».

جنگ را از کشور دور نگه دارد و این سیاست در تمامی سال‌های گذشته دنبال شده است». مهاجرانی همچنین به محور عدالت مورد نظر رئیس‌جمهور اشاره کرد و توضیح داد که عدالت چهار رکن اساسی دارد که نخستین آن، توجه به معیشت مردم است. او با اشاره به افزایش خط فقر گفت: «همواره تلاش دولت بر این بوده که معیشت مردم، به ویژه دک‌های پایین جامعه که بیشتر تحت فشار اقتصادی قرار دارند، حفظ شود و آسیب نبینند». سخنگوی دولت افزود که طرح «پسنا» وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز در همین راستا اجرا می‌شود تا مادران باردار و کودکان زیر ۵ سال از تغذیه کافی برخوردار باشند. وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با تأکید بر لزوم پیشرفت کشور هم‌زمان با رسیدگی به معیشت، اظهار کرد: «نی‌توان تنها به معیشت فکر کرد و تمام جنبه‌های توسعه را متوقف ساخت. هر وزارتخانه متولی امور خود است و دولت با تقسیم کاری مشخص تلاش می‌کند همه حوزه‌ها را فعال نگه دارد».

جنگ تجاری

تقابل آمریکا با چین بر سر تعرفه‌ها بالا گرفت

گروه بین‌الملل: در حالی که جهان هنوز از پیامدهای جنگ

تجاری دوره نخست ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ رهایی نیافته، رئیس‌جمهور آمریکا بار دیگر با اعلام تعرفه‌های جدید ۱۰۰ درصدی بر کالاهای وارداتی از چین، آتش یک رویارویی تازه را برافروخته است. تصمیمی که نه‌تنها روابط واشنگتن و پکن را به بحرانی‌ترین سطح در سال‌های اخیر می‌کشاند بلکه پیامدهایی فراتر از دو اقتصاد بزرگ جهان برای تجارت جهانی به همراه دارد. ترامپ در سخنانی روز جمعه اعلام کرد که از اول نوامبر، تعرفه‌های جدید بر واردات چین اعمال می‌شود و همزمان کنترل صادرات آمریکا بر «نرم‌افزارهای حیاتی» نیز به اجرا درمی‌آید. این اقدام در پاسخ به تصمیم اخیر چین برای اعمال محدودیت بر صادرات مواد معدنی کمیاب صورت گرفته است؛ عنصری که برای تولید فناوری‌های پیشرفته، از خودروهای برقی و تجهیزات نظامی گرفته تا تراشه‌های نیمه‌رسانا، نقشی حیاتی دارند.

چین نزدیک به ۷۰ درصد از عرضه جهانی این مواد را در اختیار دارد و بارها از این اهرم به‌عنوان ابزار فشار در منازعات ژئواقتصادی خود استفاده کرده است. این بار نیز پکن اعلام کرده که شرکت‌های خارجی برای صادرات کالاهایی که حتی بیش از یک درصد از مواد معدنی کمیاب چین را در ترکیب

ادامه تیتیر یک

خود دارند باید مجوز بگیرند. اقدامی که از نگاه واشنگتن، تلاشی آشکار برای «سیاسی‌سازی زنجیره تأمین جهانی» تلقی می‌شود. در واکنش، کاخ سفید نه‌تنها از اعمال تعرفه‌های سنگین خبر داده بلکه تهدید کرده که ممکن است بر قطعات هواپیماهای بوئینگ نیز کنترل صادراتی وضع کند؛ موضوعی که می‌تواند، پروژه فروش بیش از ۵۰۰ هواپیما به چین را تحت تأثیر قرار دهد. ترامپ در کاخ سفید به خبرنگاران گفت: «آنها به هواپیماهای ما نیاز دارند. ما چیزهای زیادی برای پاسخ داریم». اما این جنگ فقط به زمین، هواپیما یا معادن محدود نمی‌شود. وزارت حمل‌ونقل چین نیز به سرعت دست به اقدام متقابل زد و اعلام کرد از هفته آینده هزینه‌های بندری جدیدی بر کشتی‌های آمریکایی اعمال خواهد کرد. همزمان، ایالات متحده نیز هزینه‌هایی مشابه بر کشتی‌های چینی در بنادر خود وضع کرده است. به این ترتیب، نبرد تعرفه‌ای دو قدرت به دریاها و صنعت حمل‌ونقل جهانی نیز سرایت کرده است. تحلیل‌گران می‌گویند که این دور تازه از جنگ اقتصادی می‌تواند، پیامدهایی فراتر از تجارت دوجانبه داشته باشد. طبق گزارش بانک فدرال رزرو نیویورک تقریباً همه کالاهای وارداتی از چین به آمریکا اکنون با نوعی از تعرفه مواجه‌اند و نرخ مؤثر آنها به حدود ۴۰ درصد رسیده است. افزایش بیشتر

پیام مهم پوتین

به گفته احمدی، این نگرانی در میان دولت‌های عربی خلیج‌فارس نیز وجود دارد زیرا آنها بیم دارند که در صورت وقوع جنگ، تأثیرات و پیامدهای آن دامن‌شان را بگیرد.

وی افزود: «در چنین شرایطی اگر بی‌ثباتی گسترده‌ای در منطقه رخ دهد، هیچ کشوری جز آمریکا توان اقدام برای کنترل و مهار اوضاع را ندارد. ایالات متحده تنها قدرتی است که به لحاظ اقتصادی و نظامی و پرسنلی در موقعیتی است که باید مانع گسترش بحران در خاورمیانه شود و همین امر یکی از عوامل مهمی است که موجب احتیاط آمریکا و میل آن کشور به جلوگیری از شکل‌گیری جنگ جدید می‌شود».

احمدی با اشاره به ملاحظات داخلی در سیاست آمریکا نیز گفت: «در داخل آمریکا نیز شرایط برای آغاز جنگ مساعد نیست. پایگاه رأی دونالد ترامپ که عمدتاً شامل نیروهای محافظه‌کار و انزواطلب و با به اصطلاح جنبش ماگاست با

درگیری نظامی جدید آمریکا در خارج به ویژه در خاورمیانه مخالف است. تجربه حمله محدود آمریکا به برخی سایت‌های هسته‌ای ایران نیز نشان داد که حتی جریان‌های درون حزب جمهوری‌خواه، از جمله حامیان ترامپ در جنبش «ماگا» و چهره‌های انزواگرا، مخالف ورود واشنگتن به جنگ در خاورمیانه بودند. به طور کلی ترامپ در این دوره تحت فشارهای متعارضی قرار داشته است؛ از یک‌سو با فشارهای اسرائیل و شخص تنانیا‌هو و لابی اسرائیل در آمریکا برای همراهی با اسرائیل بر جنگ علیه ایران مواجه بوده و از سوی دیگر به دلایلی که گفتم به خاطر شعارها و مواضعش علیه جنگ‌های قبلی روسای جمهوری پیشین آمریکا و مخالفت پایگاه اجتماعی‌اش مایل به درگیر شدن در جنگ گسترده دیگری نبوده است. حتی معاونش و بسیاری از چهره‌های با نفوذ اطراف او و جریان محافظه‌کار نیز تمایلی به درگیری نظامی ندارند».

محدودیت‌های اسرائیل و نقش بازدارندگی آمریکا

به باور این دیپلمات سابق، از طرفی اسرائیل به‌تنهایی توان آغاز جنگی تمام‌عیار علیه ایران را ندارد: «اسرائیل بدون اجازه و هماهنگی با واشنگتن قادر به تجاوز دیگری علیه ایران نیست. حتی اگر بخواهد چنین تصمیمی بگیرد برای دفاع در برابر پاسخ موشکی ایران به پشتیبانی آمریکا، برخی کشورهای اروپایی و شاید حتی برخی از کشورهای منطقه نیاز خواهد داشت. جنگ با ایران همیشه ممکن است به یک عملیات نظامی محدود ختم نشود بلکه همیشه امکان سرریز آن به کل منطقه وجود دارد. بنابراین هرگونه اقدام شتاب‌زده از سوی اسرائیل بدون اجازه صریح و روشن آمریکا عملاً غیرممکن است». او افزود: «البته ترجیح و میل وافر جریان افراطی



شود». اما در جهانی که اقتصادها به‌شدت درهم‌تنیده‌اند، پیروزی یک‌جانبه عملاً به معنای هزینه‌سازی برای همه است. به گفته «جو کرامک»، رئیس انجمن جهانی کشتی‌رانی، تصمیمات اخیر واشنگتن و پکن «پیچیدگی و هزینه بیشتری به شبکه جهانی تجارت می‌افزاید و در شرایطی که اقتصاد جهانی زیر فشار است به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در سراسر جهان آسیب می‌زند».

با این حال نشانه‌ای از عقب‌نشینی در هیچ‌یک از دو پایتخت دیده نمی‌شود. احتمال لغو دیدار ترامپ با شی جین‌پینگ در اجلاس آسیا-اقیانوسیه نیز تأییدی بر سردی روابط دو کشور است. به نظر می‌رسد که جنگ تجاری آمریکا و چین وارد فصل تازه‌ای شده؛ فصلی که در آن، اقتصاد جهانی یک بار دیگر باید هزینه رقابت ژئواقتصادی دو ابرقدرت را بپردازد.

اروپا

رنگ باختن «مکرون‌نسیسم»

بحران سیاسی در فرانسه ادامه دارد

رئیس‌جمهور فرانسه، امانوئل مکرون، بدون داشتن اکثریت پارلمانی و با افت شدید محبوبیت با انتخاب دوباره سیاستین لکورو به عنوان نخست‌وزیر برای دومین بار در هفته‌ای کوتاه با موجی از انتقادات داخلی مواجه شده است. ماکرون با تکیه بر گزینه‌های میانه‌رو و خودداری از فراخوان برگزاری انتخابات پارلمانی، نشان داده که در مسیر اصلاحات اقتصادی و سیاسی خود حاضر به انعطاف نیست. امری که متحدان و مخالفان او را ناامید و خشمگین کرده است.

کشور فرانسه با وجود جایگاه بین‌المللی و عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل، اکنون با یک دولت شکننده و بحران سیاسی قابل توجهی روبه‌روست. مارین لوپن، رهبر راست افراطی و رقیب اصلی ماکرون، این وضعیت را «نمایشی مایوس‌کننده و رقت‌انگیز» توصیف کرده و خواستار انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات زودهنگام است تا حزتش، شانس تشکیل دولت را پیدا کند. تحلیل‌گران معتقدند که انتخاب مجدد لکورو بدون تغییر در استراتژی یا گسترش ائتلاف با چپ میانه به سختی می‌تواند دوام بیاورد.

مکرون که اکنون با کمترین حمایت عمومی طی سال‌های اخیر روبه‌روست در نظرسنجی‌ها با افت ۱۴ درصدی محبوبیت مواجه شده و دیگر حتی حزب میانه‌رو وفاداری در اختیار ندارد. ائتلاف‌های پارلمانی با احزاب راست افراطی، چپ افراطی و سوسیالیست‌های میانه، نشان می‌دهد که دولت جدید احتمالاً برای پیشبرد سیاست‌ها و اصلاحات اقتصادی خود با موانع جدی روبه‌رو خواهد شد. کارشناسان هشدار می‌دهند که این بحران سیاسی، با توجه به ترکیب شکننده پارلمان و عدم انعطاف مکرون، می‌تواند هم دولت را به زودی زمین‌گیر کند و هم زمینه پیروزی راست افراطی در انتخابات آینده را فراهم سازد. فرانسه با تجربه‌ای تاریخی از دوره‌های بحرانی اکنون در معرض چالشی جدی برای ثبات سیاسی و حکمرانی خود قرار گرفته است. این بحران همچنین انعکاس‌دهنده کاهش مشروعیت «مکرون‌نسیسم» است؛ جریان سیاسی‌ای که زمانی بسا وعده‌های عبور از شکاف‌های سنتی چپ و راست در فرانسه محبوب شد اکنون رنگ باخته و توان بسیج افکار عمومی را ندارد. سیاست‌های اقتصادی مکرون از جمله افزایش سن بازنشستگی و کاهش مالیات شرکت‌ها در غیاب حمایت پارلمانی و اعتماد عمومی بیش از پیش در معرض چالش قرار گرفته است.



این تعرفه‌ها به معنای فشار توری بر مصرف‌کنندگان آمریکایی و افزایش هزینه تولید برای شرکت‌های چندملیتی خواهد بود. در سوی مقابل، چین که طی دو دهه گذشته به بزرگ‌ترین کشتی‌ساز و صادرکننده جهان تبدیل شده است اکنون با خطر محدود شدن دسترسی به بازارهای غربی مواجه است. شرکت‌های بزرگ چینی مانند «کاسکو» ممکن است تا سال ۲۰۲۶ بیش از ۲ میلیارد دلار از این تنش‌ها زیان ببینند. پکن می‌گوید، اقدامات واشنگتن «تبعض‌آمیز» است و زنجیره تأمین جهانی را به خطر می‌اندازد.

کارشناسان تجارت بین‌الملل معتقدند که تقابل جدید، نشانه‌ای از بازگشت ملی‌گرایی اقتصادی به سیاست خارجی آمریکا در دوره دوم ترامپ است. او بار دیگر همان شعار معروف خود را تکرار کرده است: «آمریکا باید در تجارت پیروز

تفاوت نگاه واشنگتن و تل‌آویو به ایران

کورش احمدی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به مواضع اخیر ترامپ که از همکاری ایران در روند صلح غزه تقدیر کرده بود، اظهار داشت: «سیاست ایالات متحده در قبال ایران با سیاست اسرائیل، تفاوت اساسی دارد. اسرائیلی‌ها در یک سناریوی آرمانی به‌دنبال تضعیف و حتی تجزیه ایران‌اند تا مانع از قدرت‌گیری مجدد تهران شوند اما واشنگتن چنین هدفی را دنبال نمی‌کند. هدف اصلی آمریکا توقف غنی‌سازی اورانیوم در ایران است و بعید است از این خواسته عقب‌نشینی کند».

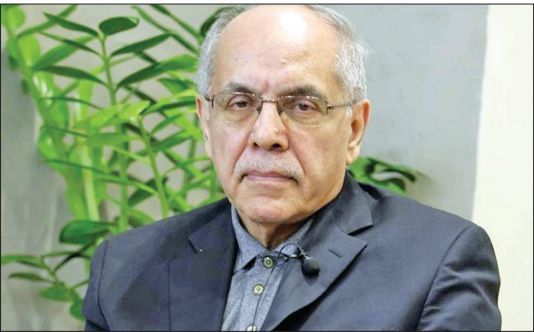
او ادامه داد: «ترامپ از هر نشانه‌ای که حاکی از تمایل ایران به کاهش تنش و حمایت از آتش‌بس در غزه باشد، بهره‌برداری تبلیغاتی نیز می‌کند. او تلاش دارد از این اعلام، تصویری مثبت از امکان کار با ایران ارائه دهد و آن را نشانه‌ای از امکان تفاهم میان دو کشور جلوه دهد. ترامپ در پی آن است که نشان دهد حتی ایران نیز با طرح‌های صلح او در خاورمیانه همراه است و این امر می‌تواند، دسترسی سیاسی برای او در داخل آمریکا باشد».

تمرکز جدید آمریکا بر رقابت قدرت‌های جهانی

احمدی در پایان گفت: «اولویت و تمرکز سیاست خارجی آمریکا به نحوی فراینده بر حوزه رقابت قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه با چین، قرار گرفته است. نگاه واشنگتن به ایران نیز عمدتاً در این چارچوب تعریف می‌شود. آمریکا اکنون ایران را نه فقط به‌عنوان یک مسأله منطقه‌ای بلکه به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در آرایش جهانی قدرت‌ها می‌بیند. از دید واشنگتن، ایران در کنار چین، روسیه و کره شمالی در یک جبهه قرار دارد و تلاش آمریکا این است که تا حدی ایران را از این محور دور کند».

وی افزود: «آمریکا می‌کوشد با کاهش تنش در خاورمیانه، انرژی و تمرکز خود را بر رقابت بسا چین بگذارد. از این منظر، کاهش درگیری‌ها با ایران یا دست‌کم جلوگیری از جنگ تازه می‌تواند به واشنگتن کمک کند تا در عرصه جهانی موقعیت خود را حفظ کند. در مقابل، اسرائیل ممکن است همچنان بر طبل تهدید علیه ایران بکوبد اما در عمل بدون حمایت آمریکا، قادر به اقدام مؤثری در حد جنگ تمام‌عیار نخواهد بود هر چند که برخی اقدامات ایذایی را ممکن است بخواهد، ادامه دهد».

احمدی در پایان گفت: «در مجموع، شرایط منطقه، وضعیت داخلی آمریکا و محدودیت‌های اسرائیل همگی نشان می‌دهند که احتمال درگیری مستقیم میان ایران و اسرائیل در کوتاه‌مدت بالا نیست. با این حال، تنش و رقابت سیاسی و امنیتی ادامه خواهد داشت و هرگونه اشتباه محاسباتی از سوی یکی از طرفین می‌تواند، منطقه را در مسیر بحران تازه‌ای قرار دهد».

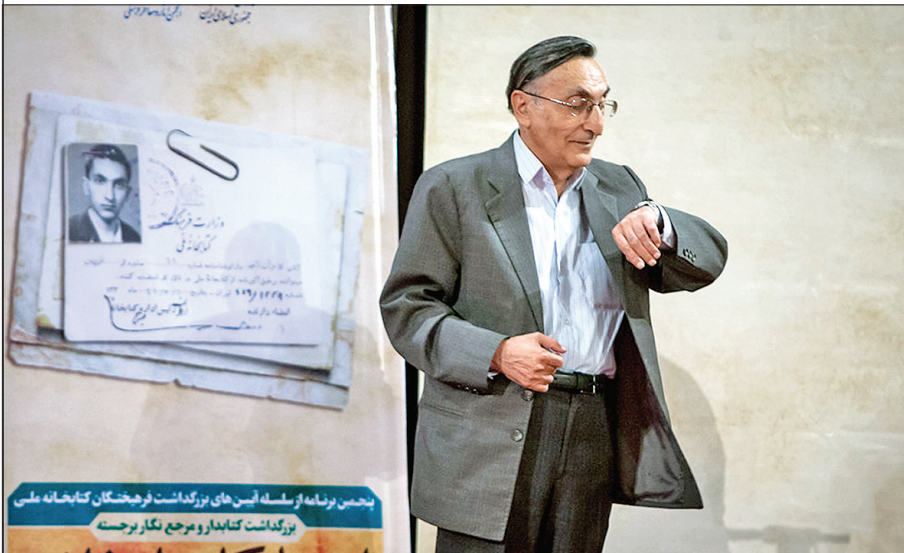


با ایران نیست». پیام این سخنان پوتین می‌تواند این نیز باشد که روسیه تمایلی به وقوع درگیری جدیدی در منطقه ندارد. پوتین شاید به این ترتیب خواسته بگوید که با توجه به تمایل تنانیا‌هو به نحوی که مطرح کرده، اکنون توپ در زمین ایران است که به سهم خود در جهت تنش‌زدایی حرکت کند و در غیر این صورت مسکو، مسئولیتی در قبال هر اتفاقی که ممکن است بیفتد بر عهده نخواهد گرفت. شاید در واقع، پوتین به‌نوعی خواسته به ایران هشدار دهد که اگر درگیری جدیدی آغاز شود، او خواسته پیشاپیش بگوید که در موقعیت حمایت از تهران قرار نخواهد گرفت».

احمدی تأکید کرد: «ممکن است پوتین در این گفت‌وگو حتی خواسته باشد از شکل‌گیری نوعی «تفاهم حداقلی» میان ایران و اسرائیل سخن بگوید؛ تفاهمی که بر اساس آن ایران از سیاست تهدید اسرائیل فاصله بگیرد و همانند برخی کشورهای اسلامی دیگر، رفتار عمل‌گرایانه‌تری در پیش گیرد. این برداشت‌ها البته در حد گمانه‌زنی است اما از لحن و محتوای سخنان پوتین چنین استنباطی می‌تواند ممکن باشد».

انتقال فانی به بیمارستان

وزارت ارشاد پیگیر سلامت کامران فانی شد



رئیس مرکز روابط عمومی وزارت فرهنگ از انتقال کامران فانی به بیمارستان خبر داد. نیکنام حسینی‌پور، در گفت‌وگو با ایبنا، دربارهٔ آخرین وضعیت کامران فانی، بیان کرد: «همواره و طی سال‌های گذشته از طریق آقای عبدالکریم جریزه‌دار، مدیر انتشارات اساطیر، پیگیر احوالات استاد فانی بودم اما با انتشار خبر اخیر، دربارهٔ انتقال استاد به خانهٔ سالمندان، بخشی از مسئولیت پیگیری وضعیت ایشان متوجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی و سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی بود؛ بنابراین با هماهنگی این نهادها پیگیری‌ها آغاز شد تا وضعیت استاد، تعیین تکلیف شود.» او با اشاره به همکاری دستگاه‌های فرهنگی برای بهبود وضعیت کامران فانی، ادامه داد: «هفتهٔ گذشته با حضور دوستان از فرهنگستان زبان و ادب فارسی و آقای جریزه‌دار، هم‌چنین فرزند آقای خرمشاهی در خانهٔ سالمندان؛ محل حضور استاد حاضر شدیم. با مدیر خانهٔ سالمندان که انصافاً از دوستانِ فرهنگ و ادب و علاقه‌مندان استاد فانی هستند، گفت‌وگو کردیم. بعد از ملاقات استاد، با خرد جمعی به این نتیجه رسیدیم که آقای فانی، برای ارزیابی وضعیت جسمی، به‌ویژه از نظر مغزی، در یک بیمارستان بستری شوند.»

به گفتهٔ حسینی‌پور، حال جسمی استاد مساعد بود اما مشخص بود که دچار فراموشی هستند. او به تماس با مدیر روابط عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اشاره و بیان کرد: «بعد از ملاقات با استاد فانی، در گفت‌وگو با دکتر حسین کرمان‌پور، مقرر شد تا استاد برای بررسی‌های پزشکی در بیمارستان بستری شوند؛ در نهایت اعلام کردند، استاد در بیمارستان پذیرش شوند. نکتهٔ اصلی این‌که تأکید شد، پزشک ایشان حتماً تعلق خاطری به حوزهٔ فرهنگ داشته باشند؛ در نهایت، دکتر محمدرضا قینی، که علاقه‌مند به بررسی وضعیت استاد بودند، به‌عنوان پزشک متخصص استاد، معین شدند. جمعه شب (۱۸ مهر) هماهنگی‌های لازم برای انتقال استاد به بیمارستان انجام شد و ایشان بستری شدند؛ بنابراین تحت مراقبت هستند تا فرآیند درمان با نظر پزشکان انجام شود.»

حسینی‌پور، با تأکید بر اهمیت مراحل بعد از درمان استاد فانی بیان کرد: «موضوع مهم دیگر، وضعیت ایشان بعد از انجام مراحل درمان است. با هماهنگی با فرهنگستان زبان و ادب فارسی و پیگیری سایر دستگاه‌های فرهنگی، مقرر شد تا یک خانهٔ سالمندان که در شأن استاد باشد، تعیین و با هماهنگی‌های اولیهٔ فرهنگستان، ایشان بعد از پایان مراحل درمان، به خانهٔ سالمندان، در تهران منتقل شود.» به گفتهٔ او، حضور استاد در تهران، امکان ملاقات و دیدار دوستان را فراهم می‌کند؛ شاید همین ملاقات‌ها موجب بهبود حافظه و بازگشت خاطرات ایشان شود. رئیس مرکز روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به تغییر نگاه به زندگی در خانهٔ سالمندان، گفت: «باید توجه داشته باشیم که زندگی در خانهٔ سالمندان بد نیست. سبک زندگی جدید و جمعیت سالمندی ایران، فعالیت خانهٔ سالمندان را می‌طلبد؛ بنابراین با توجه به اینکه بسیاری از چهره‌های فاخر و مردم عادی که به دلایل مختلف در خانهٔ سالمندان زندگی می‌کنند باید نگاهمان به این مکان، تغییر کند؛ به نظرم زندگی در خانهٔ سالمندان فُحیح نیست.» حسینی‌پور دربارهٔ رویکرد برخی رسانه‌ها نسبت به وضعیت استاد کامران فانی از زمان انتشار نخستین خبرها را، از، گفت: «به نظرم رسانه‌ها باید حریم شخصی افراد را رعایت کنند و نباید به آن دامن بزنند. ترجیح این بود که وضعیت استاد فانی رسانه‌ای

نشود؛ همان‌طور که برخی از چهره‌های فرهنگ و هنر در خانهٔ سالمندان حضور دارند اما وضعیت آن‌ها رسانه‌ای نشده است؛ به آن‌ها کمک می‌شود چون جزو وظایف دستگاه‌های فرهنگی است. اما با توجه به این‌که وضعیت استاد فانی رسانه‌ای شد، موضوع پیگیری را اعلام کردیم.» او با تأکید بر حفظ حریم شخصی استاد فانی گفت: «دوستان رسانه‌ای، نسبت به حفظ حریم استاد فانی توجه داشته باشند تا خدایی ناکرده با انتشار عکس و یا انتشار گزارشی، آن تصویر خنده‌رو و پوشش شیک استاد در اذهان از بین نرود. رعایت این نکات برای انتشار روایت‌های رسانه‌ای، مهم است.»

رئیس مرکز روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دربارهٔ پیش‌بینی‌ها برای حفظ کتابخانه غنی استاد فانی، بیان کرد: «برخی مسائل به خانواده استاد مربوط می‌شود، ایشان اقوام، از جمله یک پسرخاله دارند که برخی امور ایشان را پیگیری می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد در این مواقع بهتر است با پیش‌اندیشی با نهادهای فرهنگی هماهنگی شود و مذاکره کنند تا کتابخانهٔ غنی ایشان دچار آشفتنگی نشود. متأسفانه افراد سودجویی شاید باشند تا از موقعیت افراد سوء استفاده کنند. بنابراین به نظر می‌رسد، ظرفیت نگهداری از کتابخانه استاد از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، کتابخانهٔ ملی و حتی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور وجود دارد و اگر قرار است، وجهی برای کتابخانه پرداخت شود بهتر این است که صرف خود استاد شود.»

کتاب‌داری از دبیرستان

کامران فانی ۲۵ فروردین ۱۳۲۳ در دارالجنه قزوین به دنیا آمد و از دورهٔ دبیرستان کتابدار و فهرست‌نویس شد؛ فانی هنگامی که در سیکل دوم دبیرستانی در قزوین بود، فرد خبری کتابخانه‌ای به مدرسه‌شان هدیه کرده بود و این کتابخانه نسبتاً بزرگ هیچ سر و سامان نداشت و فانی این کتابخانه را با درک و شناخت خود در آن سن و سال از کتاب، فهرست‌نویسی کرد. کامران فانی از پیش‌گامان تحصیل در دورهٔ تازه‌تأسیس کتابداری در ایران است. از نوجوانی زبان انگلیسی را فراگرفت و مقطع لیسانس عربی را در محضر دکتر مهدی محقق و استاد بدیع‌الزمان کردستانی آموخت. مطالعهٔ مداوم در زمینه‌های مختلف علمی و ادبی شخصیتی ممتاز از فانی ساخته است. نخستین مطلبی که از فانی منتشر شد، ترجمهٔ داستانی از گی دوموپاسان در مجلهٔ «نگین» (ش ۴۳، آذر ۱۳۴۷) بود. او دربارهٔ تاگور هم مقاله‌ای موجز و خواندنی در نگین نوشت. فانی نخستین کسی است که گوتر گراس را به فارسی‌زبانان معرفی کرد، روزهایی که گوتر گراس، جایزهٔ نوبل ادبی را به دست نیاورده بود و شهرتی عالم‌گیر نداشت اما خود را به عنوان نویسنده‌ای توانا در ادبیات آلمان تثبیت کرده بود. نمایش‌نامه آتوان چخوف، مرغ دریایی را هم به فارسی ترجمه کرد. کتابی را که خود می‌پسندد و به‌راستی هم کتابی خواندنی است «سلوک روحی بتهوون» اثر سالیوان است. این کتاب به دنیای فکری و روحی هنرمند ممتاز عالم موسیقی می‌پردازد و هم چنان یکی از بهترین آثار درباره بتهوون است. فانی با موسیقی آشناست و شنونده متبحر موسیقی است. ترجمهٔ کتاب سالیوان در واقع ادای دینی به بتهوون است که موسیقی‌دان محبوب اوست. سرپرستی و ویرایش دانش‌نامه‌های مهمی مانند «دانش‌گستر» و «دایره‌المعارف تشییح» نیز برگ زرین دیگری در کارنامهٔ کامران فانی است.

بر بساطی که بساطی نیست

گزارشی دربارهٔ بازار آشفته کتاب در خیابان انقلاب و ضربه بساط کتاب بر کتاب‌فروشی‌ها

می‌گوید: «مأموران شهرداری ضابط قضایی نیستند بنابراین برخورد با این افراد ساده نیست. اما باید برای ساماندهی این فضا تدبیر جدی داشت.» این «پیچیدگی اجرایی» که سال‌هاست، دستاویز نهادهای شهری است در عمل به معنای بی‌عملی است. نتیجه؟ اشغال فیزیکی پیاده‌روها، تضعیف اقتصادی کتابفروشان و گسترش نوعی از اقتصاد زیرزمینی فرهنگی که نه مالیات می‌پردازد و نه پاسخگوست.

اقتصاد زیرزمینی کتاب

کتاب‌فروش رسمی باید مالیات، اجاره، بیمه و عوارض بپردازد اما بساط‌گستر، هیچ‌کدام از این‌ها را ندارد. او نسخهٔ افست شده یک عنوان پُر فروش را از چاپخانه‌ای بی‌نام می‌گیرد، روی زمین می‌گذارد و با لبخندی می‌گوید: «نسخهٔ بدون سانسورا!» این همان جمله‌ای است که بازار کتاب رسمی را فلج کرده.

«کتاب بدون سانسور» تبدیل به ترفند بازاری شده برای فروش غیرقانونی. پراچچی، عضو هیأت‌مدیرهٔ اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران، می‌گوید: «ادعای بساط‌گستران دربارهٔ عرضه کتاب‌های بدون سانسور، ابزاری شده علیه کتاب سالم و قانونی.» او معتقد است باید در هفتهٔ کتاب و رویدادهای فرهنگی، مخاطبان را نسبت به این فریب آگاه کرد. اما آگاهی‌رسانی فرهنگی، وقتی با تبلیغات پُرزرق‌وبرق کتاب‌های قاچاق در فضای مجازی رقابت می‌کند، صدای ضعیفی است در میان هیاهوی بازار.

بحران اعتماد

در این بازار، مرز میان کتاب واقعی و جعلی از بین رفته است. مخاطب نمی‌داند کتابی که در دست دارد، اثر رسمی ناشر است یا نسخه‌ای بی‌کیفیت و دست‌کاری شده. اعتماد عمومی به نشر رسمی در حال فروپاشی است. ابراهیم کریمی، رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران، هشدار داده است: «بساط‌گستران کتاب‌های قاچاق، غیرمجاز و گاه خلاف اخلاق و امنیت کشور را عرضه می‌کنند. این پدیده هم به لحاظ سد معبر و هم از نظر محتوایی، تهدیدی جدی برای فرهنگ شهر است.»

از ویتَرین تا بساط

بساط‌گستری کتاب مقابل دانشگاه تهران، در دههٔ ۶۰ و ۷۰ پدیده‌ای محدود بود؛ اما امروزه، سرتاسر پیاده‌روی انقلاب از بساط‌های رنگارنگ پُر شده است. کتاب‌های افست شده، چاپ غیرقانونی و نسخه‌های دست‌کاری شده‌ای از آثار روز با تخفیف‌های ۵۰ و حتی ۷۰ درصدی پیش چشم کتاب‌فروشان و مأموران شهرداری فروخته می‌شوند.

علیرضا نادعلی، سخنگوی شورای شهر تهران، پیش‌تر در گفت‌وگو با ایبنا این وضعیت را «لطمه بزرگ به کتاب‌فروشان» توصیف کرده بود. او

تئاتر



تالار اصلی تئاتر شهر روی صحنه رفت. در آن سال هنوز تئاتر برای رهنما جدی نشده بود و بیشتر ترجیح می‌داد در سینما و تلویزیون به فعالیت بپردازد اما بازی در نمایش «خدای کشتار» به کارگردانی علیرضا کوشک‌جلالی، اتفاقی درونی در او به وجود آورد و او از سال ۱۳۸۷ رفته رفته حضورش را در تئاتر افزایش داد تا به امروز که بیشترین وقت خود را روی صحنه می‌گذراند. او از تئاتر به عنوان هنری که به آن عشق می‌ورزد، نام می‌برد که علاقه‌مند است تا دم

بهاره رهنما در سال‌های اخیر بیش از سینما و بازی در سریال‌های شبکه خانگی و تلویزیون روی صحنه تئاتر حضور داشته یا به عنوان بازیگر و یا کارگردان. در بیشتر نمایش‌هایی که خود کارگردانی می‌کند، بازی در یکی از نقش‌های اصلی را هم برعهده دارد و به دلیل علاقه‌اش به روی صحنه رفتن ترجیح می‌دهد، نقش‌های اصلی اجراهای خود را هم بازی کند. او برای اولین بار در نمایش «پنجره‌ها» به کارگردانی فرهاد آبیض در سال ۱۳۸۴ در



برگزیده ونیز پخش‌کننده ندارد

پخش‌کنندگان مایل به اکران **صدای هند رجب** در آمریکا نیستند

این سطح. با این حال، بی‌میلی پلنفرم‌ها به آثار سیاسی یا چالش‌برانگیز مانع اصلی است.

این در حالی است که فیلم برنده اسکار «سرزمین دیگری نیست» درباره کرانه باختری، سال گذشته ۲۰۵ میلیون دلار در گیشه آمریکا فروخت و نشان داد که برای روایت‌های فلسطینی، تماشاگر وجود دارد.

خریدار دیگری افزود: «این فیلم بلیت تضمینی برای جوایز است اما خریدش می‌تواند به نظر ریاکارانه برسد. از سوی دیگر در فضای سیاسی فعلی هر پخش‌کننده‌ای که آن را عرضه کند، زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد».

شرکت‌هایی مانند موبی، گزینم‌های طبیعی برای توزیع این فیلم در آمریکا به‌نظر می‌رسند اما با توجه به حمایت مالی اخیر شرکت سرمایه‌گذار اسرائیلی سکویا از آن، پذیرش چنین پروژه‌ای می‌تواند جنجال‌آفرین شود.

یکی از کارشناسان اروپایی پخش فیلم در این باره گفت: «در آمریکا خرید فیلمی مثل «صدای هند رجب» فقط به معنای باور به کیفیت اثر نیست؛ بلکه نیاز به منابع و تیمی دارد که بتواند در برابر حملات سیاسی و رسانه‌ای از آن دفاع کند. بسیاری از شرکت‌ها چنین توان یا تمایلی ندارند». یک منبع نزدیک به فیلم هم گفت: شما می‌توانید هر طور که دوست دارید این موضوع را جلوه دهید اما واقعیت این است که توزیع‌کنندگان از ترس به سراغ فیلم نمی‌روند. به نظر من، این یک ترس بی‌اساس است و باید شایستگی هنری و چشم‌اندازهای تجاری فیلم را در نظر گرفت. یکی از سرمایه‌گذاران هالیوود که با او صحبت کردیم، ایده تحریم خاموش این فیلم را رد کرد و گفت: درست نیست که در هالیوود یا در کل کشور، کمپینی برای سانسور داستان‌ها یا صداهای فلسطینی‌ها وجود داشته باشد. من باور نمی‌کنم.

در همین حال، این سوال که آیا یک پخش‌کننده یا استودیوی آمریکایی امروز از فیلم «صدای هند» حمایت خواهد کرد یا خیر، سوال به‌جایی است. در سال‌های اخیر، فیلمسازان نگرانی‌های فزاینده‌ای در مورد استودیوها و پخش‌کننده‌هایی که از محتوای «چالش‌برانگیز» دوری می‌کنند، ابراز کرده‌اند.

۲۰ سال پیش، چشم‌اندازهای سیاسی و صنعتی متفاوت بودند؛ نه بدون چالش‌های خاص خود اما تفاوت، درام روان‌شناختی تحسین شده و ظریف «اینک بهشت» ساخته هانی ابو اسد، کارگردان فلسطینی درباره دو دوست دوران کودکی که در حال آماده شدن برای یک حمله انتحاری در اسرائیل هستند، در سال ۲۰۰۵ توسط بخش استودیویی وارنر ایندپندنت خریداری شد. در حالی که از برخی جهات انتقادهایی به موضوع فیلم وجود داشت، وارنر از این فیلم که ۱.۵ میلیون دلار در سینماهای آمریکا فروخت و برنده جایزه گلدن گلوب و نامزد اسکار شد، حمایت کرد. ۸ سال بعد فیلم تحسین شده «عمر» از همین کارگردان درباره یک جوان فلسطینی که پس از اینکه به اشتباه در مرگ یک سرباز اسرائیلی دست داشته، موافقت می‌کند به عنوان خبرنگار کار کند توسط شرکت آداب فیلمز مستقر در نیویورک خریداری شد و به نامزدی اسکار هم رسید.

فیلم تحسین‌شده و برنده جایزه جشنواره ونیز، با وجود موضوع به‌روز، نقدهای درخشان و حمایت چهره‌هایی چون برد پیت، واکین فینیکس و آلفونسو کوارون هنوز پخش‌کننده‌ای در ایالات متحده ندارد.

در شرایطی که فیلم «صدای هند رجب» ساخته کوثر بن‌هنیه، فیلمساز تونس‌ی از تحسین گسترده و امتیاز ۹۷ درصد منتقدان در وب‌سایت راتن تومیتوز، جایزه شیر نقره‌ای جشنواره فیلم ونیز و حمایت نام‌های بزرگ سینما بهره‌مند است هنوز پخش‌کننده‌ای در آمریکا پیدا نکرده است؛ مساله‌ای که بسیاری از کارشناسان را شگفت‌زده کرده است. «صدای هند رجب» در جشنواره ونیز ۲۳ دقیقه تشویق ایستاده دریافت کرد که طولانی‌ترین مدت زمان تشویق در تاریخ جشنواره است سپس در رویدادهای مختلف جهانی از جمله در آمریکا نمایش داده شد.

این فیلم در ایتالیا با موفقیتی بزرگ اکران شد و رتبه چهارم گیشه با فروش ۵۰۰ هزار دلار از ۴۰۰ سالن در دو هفته نخست و عبور از مرز یک میلیون دلاری را رقم زد.

همه سه فیلم پیشین کوثر بن‌هنیه، پخش آمریکایی داشته‌اند اما این بار اوضاع متفاوت است. در گفت‌وگو با چندین تهیه‌کننده و پخش‌کننده بین‌المللی، هیچ‌یک حاضر نشدند به‌صورت رسمی اظهار نظر کنند.

فیلم عربی‌زبان «صدای هند رجب» که نماینده تونس در رقابت اسکار امسال است، داستان دختر ۶ ساله فلسطینی، هند رجب را روایت می‌کند که سال گذشته در حملات نیروهای اسرائیلی در غزه جان باختند. هند و خانواده‌اش هنگام فرار از غزه، هدف حمله تانک اسرائیلی قرار گرفتند و او به همراه عمه، عمو و سه پسرعمه‌اش کشته شدند. او و یکی از بستگانش ابتدا از حمله جان سالم به در بردند و با جمعیت هلال‌احمر فلسطین تماس گرفتند تا کمک بگیرند اما ساعاتی بعد خودرو آنها به همراه امدادگرانی که برای نجات‌شان آمده بودند به‌صورت گلوله‌باران شده، پیدا شد.

در فیلم، کارگردان تونس‌ی کوثر بن‌هنیه صدای واقعی تماس تلفنی آخر هند با امدادگران را در اثر گنجانده و منتقدان آن را اثری و برانگیز و تکان‌دهنده توصیف کرده‌اند. این کشتار حدود ۳ ماه پس از آغاز عملیات نظامی اسرائیل در غزه رخ داد. به گفته وزارت بهداشت غزه، تاکنون بیش از ۶۷ هزار فلسطینی جان باخته‌اند و سازمان ملل این اقدامات اسرائیل را «نسل‌کشی» خوانده است.

به گزارش ددلاین، اگرچه فیلم چهره‌های بازیگر شناخته‌شده‌ای ندارد اما نام‌هایی چون برد پیت، واکین فینیکس، رونی مارا، آلفونسو کوارون و جان‌اتان گلیزر به‌عنوان تهیه‌کنندگان اجرایی از آن حمایت کرده‌اند.

یکی از خریداران بزرگ آمریکایی گفت: «خریداران از ترس یا به‌دلیل مخالفت با سیاست فیلم، عقب می‌کشند. من واقعا متعجبم».

یکی از شرکت‌های مطرح سینمای هنری نیز توضیح داد: «به فیلم علاقه‌مند بودیم اما با توجه به نبود چشم‌انداز برای فروش به پلنفرم‌های استریم بزرگ و درگیری فصل جوایز، تصمیم گرفتیم پیشنهاد ندهیم».

قیمت درخواستی برای فروش، حدود صد هزار دلار است، مبلغی قابل‌توجه اما نه غیرمعمول برای فیلمی با



طرح‌های فرهنگی در بن‌بست

طرح «راسته کتاب» که سال‌ها پیش برای تبدیل خیابان انقلاب به گذرگاه فرهنگی تصویب شد، هنوز روی کاغذ مانده است. از سومین تا ششمین دوره شورای شهر، بارها وعده اجرا داده شد، منقاصه برگزار شد، شهرداری مناطق ۶ و ۱۱ درگیر شدند اما هیچ قدمی رو به جلو برداشته نشد. نادعلی می‌گوید: «همت لازم برای تحقق این طرح تأمین نشده است.» این جمله کوتاه، خلاصه تمام سال‌های اطلاق فرصت است. درحالی که خیابان انقلاب هر روز بیشتر از دیروز درگیر بی‌نظمی و بی‌هویتی می‌شود، طرحی که می‌توانست آن را نجات دهد، قربانی بوروکراسی، ترس از شکست و نبود جسارت اجرایی شده است. اگر راسته کتاب اجرا می‌شد، می‌توانست نه‌تنها بساط‌گستران را ساماندهی کند بلکه فضا را به مرکزی زنده برای رویدادهای فرهنگی و کتاب‌محور تبدیل کند. اما اکنون همان پیاده‌روها به صحنه‌ای برای فروش نسخه‌های قاچاق و نامعتبر بدل شده‌اند.

از معیشت تا هویت

بساط‌گستری به اعتقاد کارشناسان اقتصادی، نتیجه بحران اقتصادی است؛ هرچند این دیدگاه واقع‌بینانه به نظر می‌رسد اما در این‌جا یعنی راسته کتاب، مسأله فقط معیشت نیست بلکه بحث فرهنگ و اتفاقاً آسیب به جامعه نشر کشور مطرح است. وقتی کتاب – به‌عنوان رسانه و ابزار انتقال فکر و فرهنگ – در کنسار اجناس ارزان و بی‌نام‌روی زمین پهن می‌شود، پیام روشن است: بی‌توجهی به شأن فرهنگ. این پدیده، ذائقه فرهنگی جامعه را تغییر می‌دهد. مخاطب یاد می‌گیرد که کتاب، کالایی است مثل بقیه کالاها؛ باید تخفیف داشته باشد، نباید هزینه‌ای برای آن داد. در چنین بازاری، نویسنده و ناشر بازنده‌اند و خریدار نیز در نهایت، چیزی جز نسخه‌ای جعلی دریافت نمی‌کند.

سکوت بحران‌زا

چرا نهادهای فرهنگی منفعل‌اند؟ چرا صدای ناشران و کتاب‌فروشان در

مرگ هم روی صحنه باشد و از سینما و بازی جلو دوربین به عنوان حرف‌افش یاد می‌کند. هرچند هنوز تعداد نمایش‌هایی که کارگردانی و نوشته بسیار کمتر از آثاری است که کارگردانی کرده اما ترجیحش این است که بیش از یک بار در سال روی صحنه برود و اگر فرصتش پیش آید، یک نمایش را در زمان‌ها، شهرها و سالن‌های مختلف به اجرا درمی‌آورد.

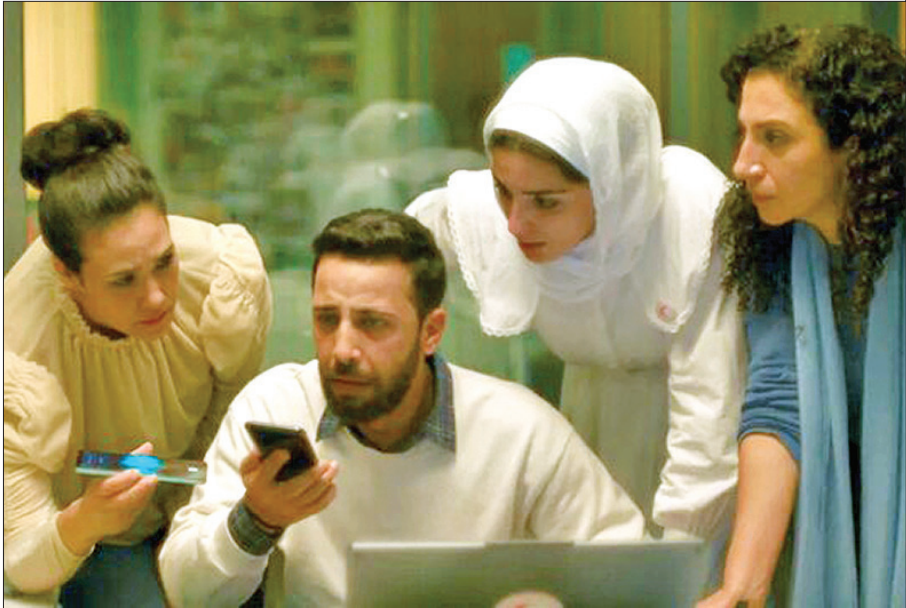
او در سال‌های ابتدایی که پا به تئاتر گذاشته بود، بیشتر در عرصه نوشتن فعال بود و «چشم‌هایی که مال توست» که ابتدا به کارگردانی نسیم ادبی و بعدها به کارگردانی خود بارها روی صحنه برد از موفق‌ترین نمایش‌هایش بود که در دفعات مختلف به اجرا درآمد و مخاطبان بسیاری از این نمایش استقبال کردند. رهنما در کتاب‌ها و نمایشنامه‌هایی که می‌نویسد، زنان و فراز و نشیب‌های زندگی آنان را دستمایه اصلی نوشته‌هایش قرار می‌دهد و آنها را در قامت شخصیت‌های اصلی آثارش به نمایش می‌کشد. به همین دلیل زنان با آثار رهنما، ارتباط بهتر و محکم‌تری برقرار می‌کنند چراکه حرف دل آنان را می‌زند و اشتباهات و مشکلات‌شان را هم بازنمایی کرده و برایشان به نمایش می‌گذارد. به همین خاطر است که در اکثر آثار رهنما با اینکه زنان تحت ستم مردان، جامعه، خانواده و ... قرار گرفته‌اند اما بی‌تقصیر نیستند و بسیاری از مشکلات از تصمیم‌ها و انتخاب‌های اشتباه آنان ناشی می‌شود. در واقع زنان در آثار رهنما به خصوص نمایش‌هایش، محصول انتخاب‌هایی هستند که خود داشته‌اند و به همین دلیل با اینکه زنان به خوبی با شخصیت‌هایش ارتباط برقرار می‌کنند اما نمی‌توانند به طور کامل به آنها حق دهند. زنان در این نمایش‌ها هم در مواردی گناه‌کارند و هم بی‌گناه، هم مورد ستم واقع می‌شوند و هم ستم می‌کنند. آنها مجموعه‌ای از رفتارهای درست و غلط هستند که به وضوح در همه افراد به‌خصوص زنان وجود دارد و با اینکه قربانی به نظر می‌رسند اما رهنما آنها را قربانی صرف نشان نمی‌دهد و بخشی از مشکلات را برگرده خود آنان می‌گذارد.

او این‌روزها نمایش «یازده: یازده» را روی صحنه برده است. نمایشی که برخلاف اکثر اجراهای رهنما از یک متن خارجی برگرفته شده و داستانش در نیویورک می‌گذرد. نیل لیبوت، نویسنده این اثر است که رهنما با ترجمه فهیمه زاهدی به صحنه برده است. داستان این نمایش درباره زن میان‌سالی است که با مردی جوانی که یکی از کارمندان شرکت زیرمجموعه‌اش است، آشنا شده به مرور به او علاقمند و عاشق او می‌شود اما پس از مدتی می‌فهمد که این مرد صاحب خانواده و دو فرزند کوچک است. نمایش درباره تنش‌های

میان این دو و رابطه‌ای است که شکل گرفته و مرد در زمان انفجار ۱۱ سپتامبر درصد پنهان کردن هویت و جا زدن خود در میان کشته‌شدگان این انفجار است تا بتواند زندگی تازه‌ای را با این زن شروع کند.

رهنما با بازنویسی کامل این نمایش را روی صحنه برده و دیالوگ‌ها و شخصیتی که ساخته به خوبی نشان می‌دهد که بسیار به خود نزدیک است و حتی اطلاعات و دانش‌اش از روانشناسی رابطه و شناخت از زنان و مردان و نسلی که با او فاصله دارد را در شخصیت‌های نمایش به خوبی به نمایش گذاشته است. با اینکه داستان در نیویورک و هنگام انفجار برج‌های دوقلو می‌گذرد و اجرا با به نمایش درآمدن تصویری کمتر دیده شده از یازده سپتامبر به همراه موسیقی زنده آغاز می‌شود ما رهنما ارجاعاتی مستقیم و غیرمستقیم به کشور خود دارد و در بخش‌هایی از نمایش به مقایسه خاورمیانه با ایالات متحده می‌پردازد و ایمان و اعتقادات مردمان این منطقه را مقابل تفکرات آمریکایی‌ها قرار می‌دهد. آشکارا معلوم است که آنچه روی صحنه رفته با منبع اصلی تفاوت بسیار دارد و رهنما همان‌طور که خود می‌گوید، بازنویسی کامل انجام داد و تنها ایده اصلی، انفجار برج‌های دوقلو و پنهانکاری مرد در این فرصت مناسب از آن اثر به‌جا مانده است.

رهنما که خود بازی در نقش اصلی این نمایش را هم برعهده دارد به خوبی نشان می‌دهد که متن را با پوست و گوشت خود نوشته و به‌روز کرده حتی مردان نمایش هم بیش از آنچه به مردان آمریکایی شباهت داشته باشند، شبیه مردان ایرانی هستند که خیانت پیشه می‌کنند و در رابطه دوم خود هم صداقت به خرج نمی‌دهند. ریتم نمایش به خاطر سرعت بازی بازیگران به خوبی تنظیم شده و حتی می‌توان گفت که از یک اجرای عادی هم تندر تپش می‌رود. بازی بازیگران قابل قبول است و رهنما، ایده استفاده از دو بازیگر مرد را به خاطر اینکه با ابعاد تازه‌ای از شخصیت مقابلش روبه‌رو می‌شود که او را دیگر به‌جا نمی‌آورد به اجرا اضافه کرده است که تماشاگر را تا اندازه‌ای گیج و گنگ می‌کند و چیز زیادی به اجرا نمی‌افزاید. اما با همه اینها نمایش «یازده: یازده» را می‌توان اجرایی قابل قبول از این بازیگر و کارگردان تئاتر دانست که در ادامه نمایش‌های قبلی اوست و تلاش می‌کند، تصویری واقعی از زنان به نمایش بگذارد که به دلیل انتخاب‌های اشتباه خود درگیر مصائبی می‌شوند که حال و آینده آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آسیب‌هایی به دلیل همین انتخاب‌های اشتباه به روح آنها وارد می‌شود که اثرش از میان نخواهد رفت و جای پایش تا همیشه با آنان همراه خواهد بود.



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

حسابرسی از تصمیم‌گیران

سیاستمداران چقدر به اقتصاد ایران زیان تحمیل کردند؟

مehتاب معرفت

گروه اقتصاد

سیاستمداران در سال‌های گذشته با تصمیم‌های غلط، خسارت‌های زیادی به جامعه ایران تحمیل کرده‌اند. اخیرا حسن روحانی در یکی از اظهارنظرهایش گفته: «ایران از سال ۹۰ تحریم است تاکنون، جز آن دو سال برجام، در این ۱۲ سال حداقل ۲ هزار میلیارد دلار مستقیم و غیرمستقیم ضرر کردیم. چرا گذاشتیم این‌طور شود، چرا این کار را کردیم؟»

در چند دهه گذشته بسیاری از تصمیم‌های سیاسی و اقتصادی بدون ارزیابی دقیق آثار بلندمدتشان اتخاذ شده‌اند و همین امر موجب تحمیل هزینه‌های سنگینی بر جامعه و نسل‌های آینده شده است. سیاست‌هایی مانند ملی‌سازی گسترده صنایع، مصادره بنگاه‌های خصوصی، گسترش تصدی‌گری دولت، دولتی کردن تجارت، نظام چندنرخ‌ی ارز، تداوم یارانه‌های غیردهمفند و شمار زیادی از تصمیم‌های پرهزینه در حوزه سیاست خارجی و تجاری، هر یک به‌گونه‌ای بر رشد اقتصاد، بهره‌وری و رفاه مردم اثر منفی گذاشته‌اند. نبود سازوکار مؤثر برای ارزیابی پیامدهای این تصمیم‌ها سبب شده که مسئولیت‌پذیری در سطح حاکمیت کاهش یابد و خطاهای سیاستی بدون اصلاح تکرار شوند. برآوردهایی مانند آنچه آقای روحانی درباره زیان ۲ هزار میلیارد دلاری ناشی از تحریم‌ها بیان کرده، نشان می‌دهد که اشتباهات تصمیم‌گیران نه‌تنها در حوزه سیاست خارجی بلکه در همه عرصه‌های اقتصادی می‌تواند، ابعادی فراتر از تصور داشته باشد. یحیی آل‌اسحاق سال‌ها پیش ایده حسابرسی نسل‌ها را مطرح کرد و گفت: «نیاز داریم که عده‌ای متخصص بنشینند و بررسی کنند که کل هزینه‌های تصمیم‌های اشتباه سیاستمداران چقدر بوده و آن را با سود و زیانش حساب کنند». ایده‌ای که آقای آل‌اسحاق مطرح کرده بر آن است که گروهی از کارشناسان مستقل، با استفاده از داده‌های تاریخی و روش‌های اقتصادسنجی، هزینه و فایده تصمیم‌های گذشته را برآورد کنند و نتایج را به‌صورت شفاف در اختیار افکار عمومی قرار دهند. چنین رویکردی می‌تواند به افزایش پاسخ‌گویی، اصلاح ساختار سیاست‌گذاری و جلوگیری از تکرار اشتباهات مشابه کمک کند. در واقع، حسابرسی تصمیم‌گیران نه اقدامی سیاسی بلکه ضرورتی علمی و اخلاقی برای تضمین توسعه پایدار و حفظ منافع نسل‌های آینده است. بدون این سازوکار، اشتباهات گذشته همواره تکرار خواهند شد و چرخه خسارت و بی‌اعتمادی ادامه خواهد یافت. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، ایده‌ای مشابه حسابرسی از تصمیم‌گیران در قالب نهادهای مستقل و سازوکارهای ارزیابی سیاست‌های عمومی اجرا می‌شود. در این کشورها، تصمیم‌های کلان اقتصادی و سیاسی تنها بر اساس اراده دولت‌ها اتخاذ نمی‌شود بلکه پیش و پس از اجرا مورد بررسی دقیق کارشناسی و نظارت عمومی قرار می‌گیرد. برای نمونه در کشورهای اسکندیناوی، انگلستان و کانادا، نهادهایی با عنوان «دفتر حسابرسی ملی» یا «نهاد ارزیابی سیاست‌ها» وجود دارند که وظیفه دارند، آثار مالی و اقتصادی تصمیم‌های دولت را بر بودجه عمومی و رفاه جامعه محاسبه کنند. در ایالات متحده، «دفتر بودجه کنگره» (CBO) پیش از تصویب هر سیاست اقتصادی، اثر آن بر بدهی ملی، اشتغال و رشد اقتصادی را پیش‌بینی می‌کند و گزارش آن به‌صورت عمومی منتشر می‌شود. در استرالیا نیز «کمسیون بهروری» به‌طور مستمر عملکرد دولت را در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی ارزیابی می‌کند تا مشخص شود آیا سیاست‌ها منجر به افزایش کارایی و رفاه عمومی شده‌اند یا خیر. در برخی کشورها مانند نیوزیلند و هلند، مفهوم «بودجه‌ریزی مبتنی بر شواهد» به معنای واقعی اجرا می‌شود؛ یعنی هیچ تصمیم مهم اقتصادی بدون پشتوانه داده، تحلیل کارشناسی و ارزیابی پیامدها اتخاذ نمی‌شود. همچنین در سطح بین‌المللی، سازمان‌هایی مانند بانک جهانی و OECD کشورها را تشویق می‌کنند تا نظامی برای «ارزیابی تأثیر سیاست‌ها» و «پاسخ‌گویی بین‌نسلی» ایجاد کنند. بنابراین آنچه در ایران هنوز به‌صورت یک ایده مطرح است در بسیاری از کشورها، بخشی از ساختار نهادی دولت به‌شمار می‌رود و همین نظام‌های نظارتی و ارزیابی مداوم یکی از دلایل اصلی پایداری و موفقیت اقتصادی آنهاست. البته حسابرسی از تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، در کنار شباهت‌هایی که دارند، دارای تفاوت‌هایی هستند. سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد می‌کوشد از خطا جلوگیری کند، در حالی که حسابرسی تصمیم‌گیران می‌خواهد، خطا را آشکار و اصلاح کند، با این حال وجود هر دو برای کارآمدی نظام حکمرانی ضروری است. اگر سیاست‌گذاری بدون ارزیابی پسینی انجام شود، مسئولیت‌پذیری از بین می‌رود و اگر حسابرسی بدون سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد باشد، تکرار اشتباهات اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بنابراین در نظام‌های پیشرفته، این دو فرآیند به‌صورت چرخه‌ای به هم پیوسته‌اند؛ ابتدا تصمیم‌ها بر پایه داده و پژوهش اتخاذ می‌شوند سپس نتایج آنها با ابزارهای حسابرسی و ارزیابی مستقل سنجیده می‌شود تا سیاست‌گذاری آینده بر اساس تجربه واقعی بهبود یابد.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

مسیر توسعه

سرمایه انسانی چگونه جغرافیای اقتصادی توسعه را شکل می‌دهد؟

مهدی غلامیان

تحلیلگر توسعه

در فیش حقوقی کارمندان دولت، سرفصلی وجود دارد به نام «بدی آب‌وهوا» که بر اساس آن به کارمندانی که در نقاط دوردست به خدمت گرفته می‌شوند، حقوق بیشتری دریافت می‌کنند. این سرفصل در فیش حقوقی کارمندان دولت در واقع یکی از ابزارهای سیاستی برای جبران نابرابری فضایی و تشویق توزیع متوازن‌تر سرمایه انسانی در جغرافیای کشور است. این پرداخت اضافی به افرادی تعلق می‌گیرد که در مناطق محروم، دورافتاده یا دارای شرایط اقلیمی سخت مشغول به کار می‌شوند و هدف آن ایجاد انگیزه برای جذب و نگهداشت نیروی انسانی در مناطقی است که به‌طور طبیعی کمتر مورد توجه نیروهای متخصص قرار می‌گیرند. از آنجا که تمرکز سرمایه انسانی در مناطق برخوردار یکی از عوامل اصلی نابرابری اقتصادی و فضایی است، چنین سیاست‌هایی می‌کوشند با جبران بخشی از هزینه‌های مادی و رفاهی زندگی در مناطق کمترتوسعه‌یافته، توزیع نیروی کار را عادلانه‌تر کنند. بنابراین «بدی آب‌وهوا» را می‌توان، نمونه‌ای از سیاست‌های جغرافیایی در حوزه سرمایه انسانی دانست که با ابزار مالی سعی در اصلاح الگوی استقرار نیروی

انسانی دارد. هرچند این اقدام به‌تنهایی کافی نیست و اگر با بهبود زیرساخت‌ها، امکانات رفاهی، فرصت‌های شغلی و توسعه محلی همراه نباشد، تأثیر پایداری در تغییر جغرافیای اقتصادی نخواهد داشت اما در چارچوب سیاست‌های کلان توسعه منطقه‌ای، می‌تواند نقش مکمل و مهمی در کاهش تمرکز سرمایه انسانی و ایجاد تعادل در نقشه اقتصادی کشور ایفا کند. سرمایه انسانی به عنوان یکی از اصلی‌ترین موتورهای محرک توسعه اقتصادی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به جغرافیای اقتصادی توسعه دارد. در واقع، توزیع نابرابر سرمایه انسانی در فضا موجب می‌شود که مناطق مختلف از نظر توان تولید، نوآوری و رشد اقتصادی، تفاوت‌های قابل‌توجهی پیدا کنند. مناطقی که از نیروی انسانی آموزش‌دیده، خلاق و ماهر برخوردارند معمولاً به قطب‌های اقتصادی و فناوری تبدیل می‌شوند زیرا حضور نیروی انسانی باکیفیت زمینه‌ساز جذب سرمایه‌گذاری، افزایش بهره‌وری و گسترش فعالیت‌های دانش‌بنیان است. در مقابل، مناطقی که از سطح پایین سرمایه انسانی رنج می‌برند با محدودیت در ظرفیت‌های تولیدی و نوآوری مواجه‌اند و در مسیر توسعه عقب می‌مانند. این تمرکز سرمایه انسانی در فضا، نوعی قطب‌بندی اقتصادی را

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

روز خوش کوچک‌ها

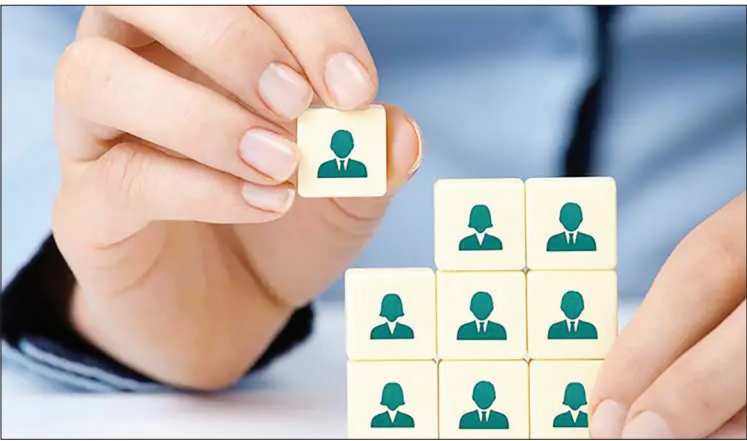
چرا نمادهای کوچک رونق گرفتند؟

نسرين خدادادی

گروه اقتصاد

معاملات روز شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۴ بورس تهران با برتری تقاضا و رشد شاخص‌های اصلی به پایان رسید. شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات با افزایش ۲۴ هزار و ۴۲۶ واحدی معادل ۸۳٫۰۰ درصد در سطح ۲ میلیون و ۹۵۰ هزار و ۴۸۶ واحد ایستاد. شاخص کل هم‌وزن نیز با رشد ۸ هزار و ۸۳۹ واحدی معادل ۰٫۶ درصد به عدد ۸۴۵ هزار و ۱۱۴ واحد رسید تا نشان دهد، تحرک مثبتی در نمادهای کوچک‌تر بازار شکل گرفته است. عملکرد دیروز بازار در مجموع حاکی از استمرار جریان ورود نقدینگی حقیقی و تمایل سرمایه‌گذاران به ماندگاری در سمت خرید است. در جریان معاملات دیروز ارزش کل دادوستد سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی به بیش از ۱۲ هزار و ۳۷۰ میلیارد تومان رسید که عدد نسبتاً

به وجود می‌آورد که در آن، کلان‌شهرها و مناطق برخوردار از دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و زیرساخت‌های آموزشی به کانون‌های رشد اقتصادی تبدیل می‌شوند و نیروی کار متخصص از سایر مناطق به آنجا مهاجرت می‌کند. در نتیجه پدیده‌ای به نام «مهاجرت مغزها» موجب تشدید نابرابری‌های فضایی و تمرکز بیشتر فعالیت‌های اقتصادی در نقاط خاص می‌شود. از سوی دیگر، سرمایه انسانی نه‌تنها عامل جذب سرمایه فیزیکی است بلکه خود می‌تواند تولید سرمایه جدید را از طریق نوآوری، کارآفرینی و ارتقای فناوری ممکن سازد. بنابراین رابطه‌ای دوطرفه میان سرمایه انسانی و جغرافیای اقتصادی توسعه وجود دارد: از یک سو کیفیت و کمیت نیروی انسانی موجب شکل‌گیری الگوهای فضایی رشد اقتصادی



می‌شود و از سوی دیگر، محیط‌های اقتصادی پویا خود زمینه‌ساز ارتقای سطح آموزش و مهارت نیروی کار هستند. در مجموع، سرمایه انسانی از طریق تأثیر بر بهره‌وری، نوآوری، جریان سرمایه و تحرک جمعیت، نقشه اقتصادی مناطق را بازتعریف کرده و مسیر توسعه فضایی کشورها را تعیین می‌کند. در کشور ما، سرمایه انسانی نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به الگوهای فضایی توسعه اقتصادی ایفا کرده است، اما توزیع نابرابر آن موجب بروز شکاف‌های منطقه‌ای چشمگیر شده است. تمرکز دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و فرصت‌های شغلی تخصصی در چند کلان‌شهر مانند تهران، اصفهان، شیراز و تبریز باعث شده که این مناطق به قطب‌های اصلی دانش و فناوری تبدیل شوند و بخش عمده‌ای از نیروی انسانی ماهر و تحصیل‌کرده را به خود جذب کنند. در مقابل، بسیاری از استان‌های مرزی و کم‌برخوردار کشور با کمبود نیروی متخصص، ضعف در زیرساخت‌های آموزشی و فرصت‌های محدود اشتغال روبه‌رو هستند که این امر توسعه اقتصادی آن‌ها را کند کرده است. روند مهاجرت نخبگان و تحصیل‌کردگان، چه به سمت کلان‌شهرهای داخلی و چه به خارج از کشور، موجب تضعیف ظرفیت‌های انسانی در مناطق

پیرامونی و حتی در سطح ملی شده است. با وجود این، ایران از نظر سطح آموزش عمومی و نرخ فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه وضعیت مطلوبی دارد اما چالش اصلی در بهره‌گیری مؤثر از این سرمایه انسانی در جهت توسعه متوازن و پایدار است. ضعف در پیوند میان نظام آموزش عالی و بازار کار، نبود سیاست‌های منطقه‌ای هماهنگ برای توزیع فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری و تمرکزگرایی اداری از عواملی است که مانع تبدیل سرمایه انسانی به موتور رشد فراگیر شده است. در نتیجه، نقشه اقتصادی ایران، بازتابی از تمرکز سرمایه انسانی در چند منطقه محدود و محرومیت نسبی سایر نواحی است؛ وضعیتی که در صورت اصلاح سیاست‌های آموزشی، صنعتی و منطقه‌ای می‌تواند به تعادل فضایی و شکوفایی گسترده‌تر اقتصادی منجر شود.

برای بهبود وضعیت سرمایه انسانی و نقش آن در شکل‌دهی متوازن جغرافیای اقتصادی ایران، لازم است مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات هماهنگ در سطح ملی و منطقه‌ای اجرا شود. نخست باید نظام آموزشی و مهارتی کشور به گونه‌ای بازطراحی شود که نیازهای واقعی بازار کار در مناطق مختلف را پاسخ دهد و از تمرکز بیش از حد بر آموزش نظری در شهرهای بزرگ کاسته شود. توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، حمایت از دانشگاه‌های محلی و ایجاد پیوند مؤثر میان مراکز علمی و

صنایع منطقه‌ای می‌تواند به افزایش ماندگاری نیروی متخصص در همان مناطق کمک کند. در کنار آن، سیاست‌های تشویقی برای جذب و نگهداشت سرمایه انسانی در استان‌های کمتر توسعه‌یافته ضروری است؛ از جمله اعطای مزایا و تسهیلات مالیاتی برای شرکت‌ها و کارآفرینانی که در این مناطق سرمایه‌گذاری می‌کنند و فراهم کردن امکانات رفاهی، فرهنگی و زیربنایی برای زندگی نیروی کار ماهر. همچنین تمرکززدایی اداری و تقویت اختیارات محلی در برنامه‌ریزی توسعه می‌تواند، موجب شود هر منطقه با تکیه بر ظرفیت‌های انسانی و اقتصادی خود مسیر رشد متناسبی را دنبال کند. حمایت از فعالیت‌های نوآورانه و استارت‌آپ‌های بومی در شهرهای کوچک و متوسط، گسترش زیرساخت‌های دیجیتال و ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان دانشگاه‌ها، صنایع و نهادهای محلی نیز می‌تواند به پویایی سرمایه انسانی در سراسر کشور کمک کند. در نهایت، سیاست‌گذاری توسعه باید بر عدالت فضایی استوار باشد تا سرمایه انسانی به جای تمرکز در چند نقطه به صورت گسترده و پایدار در جغرافیای ایران به کار گرفته شود و زمینه‌ساز رشد متوازن و همگرا در مقیاس ملی شود.

۷۷۴ میلیارد تومان رسیده است. این جریان خروج، تاییدی بر افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به حضور فعال‌تر در بازار سهام است. به‌ویژه با توجه به رشد شاخص‌ها و بازدهی مثبت اکثر صنایع بورسی، بسیاری از سرمایه‌گذاران ترجیح داده‌اند، منابع خود را از ابزارهای کم‌ریسک به سهام منتقل کنند. در پایان معاملات دیروز ۶۲۸ نماد در محدوده مثبت و تنها ۱۷۲ نماد در محدوده منفی معامله شدند. این نسبت بیانگر برتری قابل‌توجه سمت تقاضا در اغلب گروه‌هاست. هم‌زمان تعداد صف‌های خرید به ۲۹۷ نماد رسید، در حالی که تنها ۴۹ صف فروش در بازار مشاهده شد. این اختلاف معنادار در صف‌های خرید و فروش یکی از نشانه‌های پایداری جو مثبت بازار و اعتماد سرمایه‌گذاران به روند صعودی بورس محسوب می‌شود.

تداوم برتری سفارش‌های خرید

بررسی سفارش‌های ثبت شده در سامانه معاملات نشان می‌دهد، ارزش سفارش‌های خرید در دقیقه پایانی معاملات دیروز به ۱ هزار و ۳۴۸ میلیارد تومان رسیده در حالی که مجموع سفارش‌های فروش حدود ۹۹۲ میلیارد تومان بوده است. این برتری در سمت تقاضا طی روزهای اخیر نیز دیده شده و به نظر می‌رسد، ورود نقدینگی جدید به بازار سهام همچنان در حال تقویت است. روند دیروز بورس، هرچند با شیب ملایم‌تر نسبت به روزهای ابتدایی مهر همراه بود، اما از پایداری جریان نقدینگی و ثبات روانی سرمایه‌گذاران خبر می‌دهد.

مرگ خبرساز

دختر اکبر طبری، مفسد اقتصادی درگذشت

گروه اجتماعی: روز گذشته خبر پیدا شدن جسد دکتر سمیه طبری متخصص بیهوشی و دختر اکبر طبری، معاون پیشین حوزه ریاست قوه قضاییه در ویلایی در شهرک باستی هیلز لواسان منتشر شد.

منابع غیررسمی گزارش دادند که او حلق آویز شده و محل کشف جسد از رفت‌وآمدهای معمول وی نبود. سکوت نهادهای رسمی و نحوه پوشش این مرگ، پرسش‌هایی را درباره پشت‌پرده این تراژدی خانوادگی و ارتباط احتمالی آن با پرونده فساد پدر او برانگیخت.

باستی‌هیلز، منطقه‌ای گران‌قیمت در لواسان به «بورلی هیلز ایران» مشهور است و ویلاهای مجلل و امکانات تفریحی متعدد دارد. به گفته رویداد ۲۴ جسد سمیه طبری در یکی از ویلاهای این شهرک پیدا شد؛ برخی دوستان و نزدیکان او احتمال خودکشی را مطرح کردند اما انتخاب این محل و نحوه مرگ، ابهامات زیادی ایجاد کرد. گزارش‌های غیررسمی می‌گویند، محل کشف جسد جایی نبوده که او معمولاً رفت‌وآمد داشته باشد و همین امر احتمال دخالت عوامل دیگر را در ذهن برخی تقویت کرده است.

در فضای مجازی، برخی کاربران به سابقه باستی‌هیلز در پرونده‌های فساد اقتصادی اشاره کردند. این شهرک در گذشته به دلیل مالکیت ویلاهایی توسط چهره‌های سیاسی و اقتصادی خبرساز شده است؛ به عنوان مثال، خود اکبر طبری در دادگاه گفته بود برخی دوستانش حاضرند، کل لواسان را به

نام او بزنند. به همین دلیل، اینکه دخترش در ویلایی در این شهرک جان باخته، برای افکار عمومی معنایی فراتر از تراژدی شخصی یافته است.

واکنش‌ها و اظهارات رسمی

تنها اظهارنظر عمومی در روزهای نخست از سوی دکتر فرهاد تیمورزاده، پزشک و همکار سمیه طبری، منتشر شد. او در شبکه‌های اجتماعی نوشت این اتفاق نشان‌دهنده ضعف حمایت‌های روانی و ناکارآمدی دانشگاه‌ها و خانواده‌هاست و سانسور و حذف اطلاعات جای علت‌یابی را گرفته است. تیمورزاده به طور مستقیم، علت فوت را ذکر نکرد و همین توضیحات مبهم، ابهام‌ها را بیشتر کرد.

در مقابل، دادستان لواسانات در گفت‌وگو با رسانه‌ها، شایعه خودکشی را رد کرد. او گفت: «خاتم طبری از سال گذشته کسالت داشته و بیمار بوده و محل فوت نیز بیمارستانی در تهران بوده است».

به گفته این مقام قضایی، وی حدود یک سال در بستر بیماری بوده و هیچ‌یک از ابهام‌های مطرح شده درباره محل و نحوه مرگ صحت ندارد. انتشار این تکذیبیه نشان داد، بخشی از اخبار اولیه ممکن است بر اساس شایعات شکل گرفته باشد. با این حال هنوز اطلاعات دقیقی درباره زمان دقیق فوت، نوع بیماری یا علت پزشکی مرگ از سوی خانواده یا پزشکی قانونی منتشر نشده است.

جامعه

تلاش دخترانه برای زندگی

سازندگی چالش‌های دختران ایرانی را هم‌زمان با روز دختر بررسی می‌کند



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

دیروز روز جهانی دختر بود، روزی که به دخترانی اختصاص دارد که این روزها در کشور ما با چالش‌ها و محدودیت‌های متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند. از چالش‌های مربوط به حجاب و کنترل‌های اجتماعی گرفته تا عدم دسترسی به حقوق اولیه‌ای مانند صدور گواهینامه موتورسیکلت. حق استفاده از وسایل نقلیه پرسرعت از جمله موتورسیکلت برای زنان در بسیاری از کشورهای جهان مسأله‌ای بدیهی است اما در ایران، ممنوعیت صدور گواهینامه موتور برای زنان به یکی از نمونه‌های تبعیض ساختاری تبدیل شده است. تا کنون هیچ قانونی صریحاً صدور گواهینامه را برای زنان منع نکرده، اما ماده ۲۰ قانون راهنمایی و رانندگی فقط به مردان اشاره کرده و همین سکوت موجب شده، پلیس از صدور گواهینامه برای زنان خودداری کند. پیامد این خلأ قانون، آن است که زنان موتورسوار در صورت بروز حادثه نه از بیمه شخص ثالث بهره‌مند می‌شوند و نه صندوق خسارت‌های بدنی به آنها دیه می‌پردازد. مهدی قمصریان، مدیرعامل صندوق خسارت‌های بدنی، تصریح کرده که پرداخت دیه به راننده مقصر فاقد گواهینامه و نیز به اولیای دم او از تعهدات ماده ۳ قانون بیمه اجباری شخص ثالث خارج است. به گفته او، این بند شامل زنانی می‌شود که بدون گواهینامه موتورسواری می‌کنند و در صورت تصادف، خسارت به آنها تعلق نمی‌گیرد. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که زنان موتورسوار ناچارند برای اجتناب از توقیف موتور و زندانی شدن، صحنه تصادف را ترک کنند یا حتی لباس و کلاه خود را به گونه‌ای انتخاب کنند که مأموران پلیس متوجه جنسیت‌شان نشوند. یکی از موتورسواران زن می‌گوید: «وقتی تصادف می‌کنم فقط فرار می‌کنم؛ چه حق با من باشد چه نباشد». زنان حتی در صورت خرید بیمه شخص ثالث به دلیل نداشتن گواهینامه، خسارت دریافت نمی‌کنند و برای جلوگیری از زندانی شدن مجبورند، خسارت را شخصاً بپردازند. قمصریان در نامه‌ای به معاون زنان رئیس‌جمهور هشدار داده که با افزایش تردد زنان موتورسوار و حوادث رانندگی مرتبط، صندوق خسارت‌های بدنی تاکنون حدود ۸ میلیارد تومان برای ۴۳ نفر پرداخت کرده تا آنان به زندان نروند. او خواسته است با اصلاح قانون و صدور گواهینامه برای زنان این معضل پیش از تبدیل شدن به بحران حل شود. این نمونه روشن نشان می‌دهد که چگونه تبعیض قانونی می‌تواند، زنان را هم‌زمان با خطرهای جانی، بدهی‌های مالی و مجازات کفتری روبه‌رو کند.



خانواده طبری و پرونده فساد پدر

نام «طبری» یادآور یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های فساد در تاریخ دستگاه قضایی ایران است. اکبر طبری سال‌ها معاون اجرایی حوزه ریاست قوه قضاییه بود و در تیر ۱۳۹۸ بازداشت شد. وی متهم بود که شبکه‌ای از نفوذ و رشوه تشکیل داده، بر صدور احکام قضایی تأثیر گذاشته و از طریق واسطه‌ها مبالغ هنگفتی جابه‌جا کرده است. طبق گزارش دادگاه، بخشی از اموال به نام اعضای خانواده، از جمله دخترش سمیه، ثبت شده بود و او در مقاطع مختلف به‌عنوان شاهد یا متهم فرعی به دادگاه احضار شد. دادگاه بدوی، اکبر طبری را به بیش از ۳۰ سال حبس محکوم کرد. به گفته رادیو فردا، او برای «تشکیل و اداره شبکه رشوه‌خواری» به ۳۱ سال حبس و جریمه‌ای بیش از ۴۳۰ میلیارد ریال محکوم شد و بابت پول‌شویی نیز حکم ۱۲ سال و جریمه جداگانه دریافت کرد. پس از اعتراض و اعاده دادرسی، دیوان عالی برخی اتهامات را نقض و مجازات او را کاهش داد. براساس گزارش‌های غیررسمی، او پس از کمتر از ۳ سال با سپردن وثیقه چند هزار میلیارد ریالی آزاد شد، هرچند دستگاه قضایی خبر آزادی وی را تکذیب کرد.

آنان سه برابر همسالان مجردشان است. گزارش‌ها تأکید می‌کنند که برخلاف تصور رایج، نگاه مذهبی نقش کمی در ترویج کودک‌همسری دارد و به‌جای آن، تحریم‌ها، تورم و کوچک شدن طبقه متوسط مردم را به سمت ازدواج زودهنگام سوق داده است.

ماجرای حجاب

این روزها جمعی از نمایندگان مجلس و انمه جماعت دوباره بر اجرای قانون حجاب در کشور اصرار کردند. تا جایی که حتی اظهارنظر محمدرضا باهنر، سیاست‌مدار اصول‌گرا و عضو مجمع تشخیص مصلحت درباره اینکه که «دوران اجبار در حجاب به پایان رسیده» سبب واکنش‌های تند آنها شد. او تأکید کرد که الزام حجاب نه در شرع اسلام و نه در عرف اجتماعی، جایگاهی ندارد و افزود که «۹۰ درصد مردم نمی‌توانند مانند ۱۰ درصد حزب‌اللهی زندگی کنند». امامان جمعه و نمایندگان مجلس، او را «فاقد معرفت دینی» خواندند و اصرار داشتند که قانون عفاف و حجاب همچنان لازم‌الاجراست. تلاش برای برگزاری تجمعی علیه باهنر در میدان امام حسین نیز به دلیل عدم استقبال عمومی لغو شد. اما در نهایت نتیجه چنین نگرشی، فشارهای مستمر بر دختران و زنان جوان و حذف انتخاب‌های شخصی در نحوه لباس پوشیدن است. زنان در قوانین ازدواج، طلاق، ارث، حضانت فرزند، اشتغال، دادگاه‌ها و حتی در سفر و انتخاب پوشش با محدودیت‌های شدید روبه‌رو هستند. در بسیاری از موارد، شهادت یک زن در دادگاه نیمی از ارزش شهادت یک مرد را دارد، ارث زن نصف سهم برادر است و مردان می‌توانند بدون رضایت همسر، چند همسر اختیار کنند در حالی که زنان چنین حقی ندارند. زنان برای سفر به خارج از کشور نیاز به اجازه همسر دارند و در صورت طلاق، حضانت فرزندان معمولاً به پدر سپرده می‌شود. این ساختار قانونی، زنان را عملاً شهروند درجه ۲ می‌کند و مانع مشارکت کامل آنان در زندگی اجتماعی و سیاسی می‌شود.

ضرورت تغییر

جامعه ایران به رغم محدودیت‌های گسترده در سال‌های اخیر شاهد رشد آگاهی و مطالبات دختران بوده است. اعتراضات ۱۴۰۱ به مرگ مهسا امینی نشان داد که نسل جدید دختران خواهان حق انتخاب در پوشش، سبک زندگی و مشارکت اجتماعی است. در عین حال نگرانی‌های اقتصادی، تورم و کاهش قدرت خرید خانوار، خانواده‌ها را نسبت به آینده فرزندان‌شان مردد کرده است؛ بسیاری از والدین با وجود داشتن باورهای سنتی، مخالف فشار بر پوشش و رفتار دختران هستند و خواستار رسیدگی به مشکلات معیشتی‌اند. زنان ایرانی نیز با وجود فشارها، پیشرفت‌های قابل‌توجهی در حوزه‌های علمی، هنری و ورزشی داشته‌اند. حضور بانوان در مسابقات جهانی و کسب مدال با حفظ حجاب نشان می‌دهد که دختران می‌توانند در شرایط برابر رقابت کنند. با این حال این موفقیت‌ها نباید مانع دیده شدن تبعیض‌های ساختاری شود.

سایه پرونده فساد بر زندگی دختر

در دوران رسیدگی به پرونده فساد، سمیه طبری بارها به عنوان شاهد یا متهم فرعی احضار شد و گفته می‌شد در بازگرداندن بخشی از اموال همکاری کرده است. اینکه بخشی از دارایی‌های پدر به نام او ثبت شده بود، او را ناخواسته به بخشی از شبکه فساد متصل می‌کرد.

حال مرگ او، به خصوص در منطقه‌ای که در افکار عمومی نماد قدرت و ثروت است، باعث شده برخی کاربران فضای مجازی، آن را پیامد فشارهای پرونده فساد یا تلاش برای حذف مدارک احتمالی تلقی کنند.

رسانه‌ها می‌گویند: نبود شفافیت و اطلاع‌رسانی رسمی، زمینه شکل‌گیری گمانه‌زنی‌هایی را فراهم می‌کند که ممکن است، واقعیت نداشته باشند.

با این حال در مقابل این فرضیات، روایت رسمی دادستان لواسانات قرار دارد که هر گونه دخالت یا خودکشی را رد می‌کند و می‌گوید فوت در نتیجه بیماری بوده است. همچنین برخی دوستان و اطرافیان سمیه طبری به رسانه‌ها گفته‌اند، او پس از تحمل بیماری طولانی مدت از دنیا رفته است.

سلامت

نشست جنجالی

توهین معاون وزیر بهداشت به یک خبرنگار

نشست خبری معاون وزیر بهداشت، دکتر علیرضا رئیس‌ی، به مناسبت هفته سلامت روان با یک درگیری لفظی میان وی و یکی از خبرنگاران آغاز شد. در جریان این نشست، خبرنگاری سوالی درباره وضعیت سلامت روان مطرح کرد که باعث واکنش شدید دکتر رئیس‌ی شد. معاون وزیر بهداشت با لحنی تند پاسخ داد: «آخه تو کی هستی که من بخوام جواب تو رو بدم یا ندم؟» این پاسخ غیرمنتظره و بی‌احترامی باعث شد تا فضای نشست به شدت متشنج شود و اذهان عمومی و رسانه‌ها به این برخورد واکنش نشان دهند. پس از این اتفاق، شهاب طباطبایی، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت به دلیل این رفتار از خبرنگاران عذرخواهی کرد. پس از این ماجرا، دکتر رئیس‌ی به مسائلی مهم در حوزه سلامت روان و بهداشت دهان و دندان در کشور پرداخت. وی با اشاره به شیوع ۲۵ درصدی اختلالات روانی در کشور، افسردگی و اضطراب را شایع‌ترین اختلالات روانی معرفی کرد. معاون وزیر بهداشت همچنین به فعالیت ۳۲۰۰ روانشناس در شبکه بهداشت کشور اشاره کرد و افزود که ۱۰۳ مرکز سراج (مراکز سلامت روانی اجتماعی مبتنی بر جامعه) در ۲۸ استان کشور فعال هستند. این مراکز که به خدمات روانشناسی و درمانی دسترسی رایگان ارائه می‌دهند، هدف‌گذاری وزارت بهداشت برای افزایش تعداد آنها به ۳۰۰ مرکز در سراسر کشور را مطرح کرد. دکتر رئیس‌ی در ادامه از وضعیت بهداشت دهان و دندان در کشور انتقاد کرد و به آمار نگران‌کننده بی‌دندانی در میان افراد بالای ۶۵ سال اشاره کرد. وی اعلام کرد که ۵۲ درصد افراد بالای ۶۵ سال در ایران فاقد دندان کامل هستند. او همچنین از برنامه‌های وزارت بهداشت برای کاهش پوسیدگی دندان در کودکان و توزیع رایگان مسواک و خمیر دندان در مناطق محروم خبر داد. وی تأکید کرد که پیشگیری از بیماری‌های دهان و دندان باید در اولویت قرار گیرد و آموزش‌های بهداشت دهان و دندان در مدارس گنجانده شده است. در نهایت، معاون وزیر بهداشت به تبلیغات مصرف مواد مخدر و الکل در رسانه‌ها اعتراض کرد. او این تبلیغات را تهدیدی برای سلامت روانی جوانان و نوجوانان دانست و گفت که وزارت بهداشت، جلساتی با ساترا برگزار کرده است تا بر تولید محتوای رسانه‌ای نظارت بیشتری اعمال کند. این سخنان رئیس‌ی، نشان‌دهنده نگرانی‌های عمیق وی درباره تأثیر رسانه‌ها بر رفتارهای اجتماعی و سلامت روان افراد جامعه بود.



سال هشتم شماره ۲۰۸۴
یکشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۴

حافظه

بررسی رخدادهای تاریخی

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌ن‌فر • حرف‌چین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



ادامه چهارشنبه ۱۰ اسفند

بازدید از کارخانه لاینینگ در خرمشهر

آقای [سیدابوالحسن] نوری [مهری]، امام‌جمعه خرمشهر با تجلیل بیغی از من گفت، تمام مناطق حساس جبهه و سازندگی و جهاد، جای پای فلاّنی را می‌شناسد و از مشکلات خرمشهر توضیحاتی داد. بنا بود با مسئولان آبادان و خرمشهر در آنجا مذاکره داشته باشیم، برق قطع شد؛ منصرف شدیم. درختی کاشتیم. عیدی برای دانشجویان تازه ازدواج کرده خواستند. ۳۳ زوج بودند؛ به هر کدام یک سکه [بهار آزادی] دادیم.

به بنسدر خرمشهر، برای دیدن کارخانه لاینینگ و آماده‌سازی لوله‌های قطور، جهت کار در کف دریا رفتم. مدیران توضیح دادند. از بخش‌های مختلف کارخانه، بازدید کردیم؛ عظیم است. مهدی- فرزندم- برای صنایع دریایی وزارت نفت، آن را تأسیس کرده و صدها نفر از مردم خرمشهر را به‌کار گرفته است. مسئولان، برای کمک به ایجاد اشتغال بیشتر، خواستار توسعه آن شدند. ارزش افزوده بالایی هم دارد. من هم برای آنها صحبت دلگرم‌کننده کوتاهی نمودم. به سوی اهواز حرکت کردیم. ساعت ۱۰ شب به اهواز رسیدیم. پس از شام و خواندن گزارش‌ها خوابیدم. عکس‌العمل نسبت به صحبت‌های رهبری در دانشگاه [امیرکبیر] و مشاجره بین مجلسیان و قوه قضاییه مورد توجه است.

پنج‌شنبه ۱۱ اسفند

بازداشت جمعی از منافقان در آمریکا

صبح زود، گزارش‌ها را خواندم. بازداشت جمعی از منافقان [= سازمان مجاهدین خلق] در آمریکا به عنوان تروریست و نیز تروریست شناخت شدن منافقان در انگلیس و ایتالیا مورد توجه است. اغتشاشات اندونزی و خطر تجزیه و فشار روی [عبدالرحمن وحید]، رییس‌جمهور اندونزی و تشدید جنگ در افغانستان و دستور طالبان در مورد انهدام تمامی مجسمه‌ها ازجمله مجسمه معروف بودا [در بامیان] مهم است. به سوی دزفول حرکت کردیم. در راه [آقای مقتدایی]، استاندار توضیحات می‌داد. در مسیر برای زیارت مرقد حضرت دانیال نبی، به طور سرزده به شهر شوش رفتیم. رییس اوقاف و خادم حرم، آنجا بودند و در سرداب بر سر قبر حضرت، توضیحات دادند ازجمله اینکه ایشان ۷۰۰ سال قبل از میلاد توسط بخت‌النصر در فلسطین اسیر شده و به بابل آورده شده سپس توسط کورش با احترام به ایران آورده شده و در شوش، پایتخت ایران، با احترام زندگی می‌کرده و همین‌جا به رحمت خدا رفته و دفن شده است. مطالب قابل توجه دیگری هم داشت. جمع زیادی از مردم، ورودی صحن جمع شده بودند و ابراز احساسات کردند. چند کلمه‌ای برای آنها صحبت کردم.

باغ روشنفکران

۴۸ سال از شب‌های گوته گذشت

علیرضا گوهری

روزنامه‌نگار

در مهرماه ۱۳۵۶ ده شب پیاپی در باغ انستیتو گوته تهران، شاعران و نویسندگان ایران گرد هم آمدند تا از آزادی، سانسور و مسئولیت روشنفکر در حکومت پهلوی سخن بگویند. آخرین شب این سلسله برنامه‌ها ۲۷ مهر برگزار شد؛ اکنون، چهل‌وهشت سال از آن روزها می‌گذرد. با این حال، «شب‌های گوته» هنوز از حافظه فرهنگی ایران بیرون نرفته است. در سال جاری، دو سریال شبکه نمایش خانگی هر یک به شکلی به آن اشاره کردند. در تاسیان، صحنه‌ای از سخنرانی بهرام بیضایی بازآفرینی شد و در سووشون، تبلیغات مجموعه با صدای بازسازی شده سیمین دانشور و تولید شده با هوش مصنوعی، مخاطبان را به یاد همان ۱۰ شب انداخت. این بازگشت ناگهانی به واقعه‌ای فرهنگی از نیم‌قرن پیش، نشانه‌ای است از ماندگاری یک لحظه تاریخی در ذهن جمعی ایرانیان. لحظه‌ای که روشنفکران، در دوران خفقان و سانسور دوره پهلوی، برای نخستین بار توانستند آزادانه سخن بگویند و سخن‌شان شنیده شود. در پاپییز ۵۶ ایران در میانه دو واقعیت متضاد قرار داشت. رفاه اقتصادی حاصل از درآمدهای نفتی و محدودیت سیاسی ناشی از اقتدار مطلقه محمدرضا شاه. سانسور، ممیزی و کنترل فرهنگی در تمام سطوح جامعه جاری بود. کانون نویسندگان ایران، که پس از سال‌ها سرکوب بار دیگر فعال شده بود، تصمیم گرفت، سلسله سخنرانی‌هایی برگزار کند تا نویسندگان درباره وضعیت ادبیات و آزادی بیان سخن بگویند. محل برگزاری، باغ انستیتو گوته، به‌سبب وابستگی‌اش به دولت آلمان، فضایی امن‌تر از نهادهای داخلی به نظر می‌رسید؛ جایی که حکومت نمی‌توانست به آسانی در آن دخالت کند. آنچه قرار بود مجموعه‌ای از نشست‌های ادبی باشد، در عمل به بزرگ‌ترین گردهمایی روشنفکری تاریخ معاصر ایران بدل شد.

در نخستین شب، سیمین دانشور، نویسنده سووشون، بر صحنه رفت و از «زیباشناسی در زمانه زشتی» سخن گفت. او هشدار داد که هنرمند ایرانی اگر آزادی را از دست بدهد نه تنها زبان خود را بلکه روح خلاقه جامعه را از میان می‌برد. همان شب، رحمت‌الله مقدم‌راغه‌ای، بیانیه کانون نویسندگان را خواند؛ بیانیه‌ای که با جسارت از لغو سانسور و رعایت آزادی قلم سخن می‌گفت. مهدی اخوان‌ثالث با صدای خسته و سنگینش، شعر «در حیاط کوچک پاییز در زندان» را خواند و فریاد زد: «او این‌جا هنوز مردان از مردن نمی‌ترسند». جمعیت چند هزارنفری برخاست و دست زد.



در شب چهارم، غلامحسین ساعدی با عصبانیت بر صحنه رفت. سخنرانی‌اش درباره «شبه‌هنرمند» بود؛ کسی که با قدرت سازش می‌کند و هنر را ابزار مشروعیت می‌سازد. صدایش می‌لرزید، وقتی گفت: «ما هم مسئولیم، اگر قلم‌مان را در خدمت دروغ بگذاریم». هوشنگ ابتهاج و حسین منزوی شعر خواندند و جمعیت که دیگر فقط روشنفکران نبودند بلکه دانشجویان،

کارمندان و مردم عادی هم بودند با فریاد و کف زدن، پاسخ دادند. در شب پنجم، باقر مؤمنی از جریان چپ و توده، از عوارض سانسور گفت. از مرگی که آرام‌آرام بر ذهن‌ها می‌خزد و مردم را به خودسانسوری عادت می‌دهد. سعید سلطانپور، دیگر شاعر چپ‌گرا، شعرهایی خواند که آشکارا سیاسی بود و فضا را ملتهب کرد. شب ششم، نوبت هوشنگ گلشیری بود با سخنرانی مشهورش درباره «جوانمرگی در نثر فارسی». او از نویسندگانی گفت که «پیش از آنکه پخته شوند، زیر تیغ سانسور خاموش می‌شوند». در پایان همان شب، هانس بیکر، رئیس آلمانی انستیتو گوته، کوتاه از آزادی فرهنگی سخن گفت و اشاره کرد که درهای مؤسسه‌اش همیشه به روی نویسندگان ایرانی باز است. جمله‌ای که در آن شرایط، خود نوعی اعلام همبستگی محسوب می‌شد.

شب‌های بعد فضای گفت‌وگوها تندتر شد. اسلام کاظمیه از حقوق قانونی ملت گفت و داریوش آشوری در سخنرانی «شعر آزادی است» از آزادی در فرم و اندیشه دفاع کرد. مصطفی رحیمی در شب هشتم از «فرهنگ دیوان‌سالار» گفت؛ از فرهنگی که خلاقیت را خفه می‌کند و نویسنده را به کارمند دولت بدل می‌سازد. در شب نهم، فریدون تکابنی داستانی خواند که طنزی تند علیه قدرت بود و شب دهم، گرچه اسنادش کامل نیست، با شور و ازدحامی بی‌سابقه پایان یافت. هزاران نفر در باغ انستیتو گوته «آزادی بیان» را فریاد زدند و خواستار آن شدند. چند روز بعد، حکومت رسماً کانون نویسندگان را تهدید کرد و بسیاری از سخنرانان به ساواک احضار شدند.

شب‌های گوته نه منشأ مستقیم انقلاب بلکه نشانه‌ای از گسست میان جامعه و حکومت بود. روشنفکران، پیش از سیاستمداران، فهمیده بودند که نظام موجود از درون فرسوده شده است. سخنرانی‌ها و شعرها بازتابی از خشم فروخورده مردم بود اما بیشتر به‌دنبال بیان فرهنگی اعتراض بودند تا سازمان‌دهی سیاسی. با این حال همان تجربه سخن گفتن آزاد در برابر هزاران نفر، ذهن جمعی جامعه را تغییر داد. پس از آن دیگر بازگشت به سکوت ممکن نبود.

۱۰ شب گوته نقطه عطفی شد در تاریخ روشنفکری ایران. آن رویداد، پیوندی میان قلم و خیابان برقرار کرد و میان شعر و سیاست، روشنفکران آن دوران، برخلاف نسل‌های پیش از خود، در پی پناه بردن به برج عاج نبودند؛ می‌خواستند در متن جامعه بایستند. آنها نه فقط از سانسور که از مسئولیت اخلاقی خود در برابر مردم سخن گفتند و شاید به همین دلیل بود که حکومت از آنان بیش از مخالفان سیاسی می‌ترسید چون زبان داشتند و مخاطب.

با گذشت نزدیک به ۵ دهه، یاد آن شب‌ها هنوز زنده است؛ در حافظه مردمی که آن باغ را پر کردند، در صدای ضبط شده سیمین دانشور و گلشیری و حالا در سریال‌هایی که با فناوری‌های تازه، آن صحنه‌ها را بازمی‌آفرینند. شب‌های گوته دیگر فقط بخشی از تاریخ روشنفکری نیست؛ بخشی از حافظه جمعی ایرانیان است. یادآور لحظه‌ای کوتاه، لحظه‌ای که کلمه بر سکوت غلبه کرد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۱۰۰۹۴۰۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۲ کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۱۰۱۰۰۸۶ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین عمویی به شناسنامه شماره ۵۴۷ کدملی ۴۳۲۲۷۷۳۱۵ فرزند قنبر در ۴/۵ دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۷۱ متر مربع پلاک شماره ۴۱ اصلی واقع در اراضی روستای رزجرد قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۰۲۱۱۲۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶

شعبان عسگری
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۱۰۰۷۸۴۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۱۰۱۰۰۴۸۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم ثریا دولتی به شناسنامه شماره ۴۳۲۴۲۰۷۷۴۷ کد ملی ۴۳۲۴۲۰۷۷۴۷ فرزند ابراهیم در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۵/۰۲۴۰ مترمربع پلاک شماره ۳۵ اصلی واقع در اراضی روستای آشنستان قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین (مبايعه نامه عادی خریداری با واسطه از مالکیت محمد رضا نجفی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۰۲۱۴۰۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶

شعبان عسگری
رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۶۰۱۴۰۰۷۵۴۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۳۰ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی اصغر دارابی فرزند اله حسین در شش‌دانگ یک باب ساختمان دامباری به مساحت ۲۰۰ متر مربع در قسمتی از پلاک ۴۲۳ اصلی قریه ی قلعه گلپین سفلی بخش به صوبه خریداری از مالک رسمی (خود متقاضی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. (۴۰۸۱

فرشاد نادری – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۶۰۱۴۰۰۷۵۴۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۳۰ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم کل پری کله هوئی فرزند فرح بشماره شناسنامه ۱۴۹۱ (صادره از کرمانشاه در شش‌دانگ ساختمان به مساحت ۱۰۷/۰۹ متر مربع در قسمتی از پلاک شماره فرعی از ۴۷ اصلی واقع در کرمانشاه بخش دوجومه به آدرس گهریز جنب مسجد خریداری از مالک رسمی آقای / خانم اسد گهریزی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. (۴۰۸۵

فرشاد نادری – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰